

بررسی موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی در استان ایلام

روضان پیری^۱
روزا کرم پور^۲
مجید کفاشی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۰

تاریخ وصول: ۹۸/۱۲/۱۴

چکیده

در میان مباحث متعددی که در چند دهه اخیر در حوزه علوم اجتماعی مطرح شده، بحث توسعه از گستردگی و اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. از این رو مقاله حاضر به بررسی موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی در استان ایلام و درک و تفسیر مردمان آن دیار از توسعه می‌پردازد. روش‌شناسی پژوهش کیفی است. از روش مردم‌نگاری برای گردآوری داده‌ها و از نظریه زمینه‌ای برای تحلیل و بررسی داده‌ها استفاده گردیده است. در این پژوهش، اطلاعات مشاهده‌ای و اسنادی توسط محقق گردآوری و اطلاعات مصاحبه‌ای از ۵۶ نفر از مشارکت‌کنندگان ساکن در میدان مطالعه به عمل آمد. برای تعیین افراد مورد مصاحبه، از روش نمونه‌گیری کیفی - هدفمند و برای تعیین تعداد مصاحبه‌شوندگان از منطق اشباع نظری در نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. سپس عملیات تحلیل اطلاعات در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی انجام شده و در نهایت از ترکیب کلیه مقوله‌ها، مدل نهایی تحقیق استخراج شد. نتایج بررسی نشان می‌دهد که مهم‌ترین موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی در این استان، مشکلات اکولوژیک، فقر اقتصادی مزمن، نبود بخش خصوصی قوی و فقدان زیرساخت‌های اقتصادی می‌باشد. براساس مدل نهایی توسعه به مثابه پدیده‌ای دوگانه و تقابل‌گرا درک، ارزیابی و تفسیر شده است که توانسته از یک طرف استان ایلام را توانمند ساخته و بسیاری از مسایل و مشکلات زندگی آنان را در ابعاد مختلف تغییر و نوسازی مشخص کند و از طرف دیگر، موجب تضعیف سنت‌ها می‌شود که از دید مردم استان ایلام به‌عنوان نتایج نامطلوب توسعه تلقی می‌گردد.

واژگان کلیدی: موانع اقتصادی، توسعه‌یافتگی، نظریه زمینه‌ای، استان ایلام.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران. rosakarampour@yahoo.com

۳- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاداسلامی، رودهن، ایران.

مقدمه

توسعه یکی از موضوعاتی است که نه تنها در حوزه جامعه‌شناسی توسعه، بلکه در بسیاری از حوزه‌های جامعه‌شناسی، به‌طور خاص و علوم اجتماعی به‌طور اعم مورد بحث قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسان توسعه، مقوله توسعه را در برابر مقوله رشد قرار می‌دهند. مفهوم رشد به پیشرفت و ترقی جامعه در ابعاد مادی و عینی به‌ویژه تولید اقتصادی اشاره دارد، در حالی که مفهوم توسعه در بردارنده پیشرفت و ترقی جامعه در تمامی ابعاد زندگی است (ازکیا، ۱۳۸۷: ۸). از این‌رو، در ادبیات مربوط به توسعه از توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه انسانی سخن به‌میان می‌آید. صاحب نظران کلاسیک علوم اجتماعی چنین تصور می‌کردند که پیشرفت جامعه انسانی در گرو رشد و توسعه اقتصادی است. اما بعداً ملاحظه کردند که در کنار رشد و توسعه اقتصادی، جامعه نیازمند برخی ضروریات دیگر از جمله توزیع عادلانه درآمدها، شکوفایی استعدادها، گوناگون و شخصیت‌انسانی، سلامت جسمانی و روانی، افزایش امید به‌زندگی، برقراری برابری‌های اجتماعی، تحقق آزادی، برقراری ارتباطات انسانی و اجتماعی به‌دور از انواع سلطه، و به‌طور کلی، تحقق یک جامعه مدنی و انسانی است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۶).

استان ایلام با حدود ۲۰ هزار کیلومتر مربع وسعت و ۶۲۰ هزار نفر جمعیت در آخرین سرشماری که به سال ۱۳۸۵ بر می‌گردد در غربی‌ترین نقطه جغرافیایی کشور و در جوار استان‌های کرمانشاه، لرستان، خوزستان و کشور عراق واقع شده است و ۵۵۰ روستای بزرگ و کوچک در این منطقه وجود دارد. در بیان مقدار منابع این استان به همین گزاره اکتفا می‌شود که ۱۴ میلیارد فوت مکعب گاز و منابع نفتی در این منطقه موجود است. معیشت مردم این منطقه از طریق کشاورزی و دامپروری است به گونه‌ای که نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت این استان از طریق کشاورزی امرار معاش می‌کنند. اما با وجود همسایگی با یک کشور خارجی و منابع نفتی و گازی فراوان و هم‌چنین با وجود این‌که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اگرچه از نظر شاخص‌های اولیه برخورداری مانند تأمین آب و برق و گاز و راه‌های ارتباطی، استان ایلام شرایط مطلوب‌تری پیدا کرد. جنگ تحمیلی مانع از برخورداری مناسب این استان از برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی شد و همچنان منطقه محروم، صفتی ثابت برای این استان می‌باشد.

عدم توسعه یا عقب‌ماندگی در این استان محصول برخی دوگانگی‌ها می‌باشد این دوگانگی‌ها در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و ... نمود یافته است که از یک طرف استان‌هایی چون تهران و اصفهان قد علم کرده و از طرفی، در مقابل مناطق محرومی چون استان‌های کردستان، ایلام و لرستان سر برآورده و در نتیجه این محرومیت در این مناطق پدیده‌های شومی چون فقر، محرومیت، بیکاری پنهان و مزمن، فقدان فرصت‌های اشتغال، مهاجرت اجباری به سایر استان‌ها، اعتیاد، بالا رفتن تصاعدی طلاق رخ داده است. این استان علیرغم برخورداری از استعدادهای زمین‌ها رنگ و بوی توسعه را به خود ندیده و به حاشیه فرآیند توسعه رهنمون شده است. توسعه در واقع فرآیندی است چند بعدی با ابعاد اقتصادی،

بررسی موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی در استان ایلام

اجتماعی، سیاسی و در بر گیرنده مجموعه فعالیت‌ها و اقداماتی است که برای هدایت جامعه در جهت بهبود سطح زندگی مردم بر اساس نظام ارزشی مورد پذیرش جامعه لازم می‌باشد. این امر در صورتی معقول و معنی‌دار خواهد بود که موجب بهبود شرایط زندگی همه مردم شود. مسأله‌ای که در این رابطه وجود دارد این است که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها در ایران اغلب در سطح ملی صورت گرفته و کلیه تصمیمات مربوط به این برنامه‌ها در این سطح اتخاذ می‌شود و اقدامات عملی در قالب بخش‌هایی مانند کشاورزی، صنعت، بهداشت، آموزش و پرورش و سایر بخش‌ها صورت می‌گیرد این‌که چگونه این بخش‌ها توسعه پیدا کند و جهت توسعه آن‌ها چقدر باید هزینه کرد به وسیله سیاست‌مداران، برنامه‌ریزان و دولت‌مردانی که در تهران مستقر می‌شوند تعیین و تبیین می‌شوند، در این رابطه استان‌های مختلف کشور ناگزیر به قبول و پذیرش تصمیمات اتخاذ شده در مرکز می‌باشند. از عدم توجه برنامه‌های ملی به استعدادها و محدودیت‌های استان‌ها باعث رشد و توسعه برخی استان‌ها و عقب‌ماندگی و عدم توسعه مناسب در سایر آنها شده‌اند از طرفی به دلیل تأکید فراوان این برنامه‌ها بر رشد کلی اقتصاد به توزیع متناسب فعالیت‌های اقتصادی توجه چندانی مبذول نشده (پدیده تمرکزگرایی) است. این امر منجر به تمرکز بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی در یک یا چند استان خاص شده و توسعه بیش‌تری را در این استان‌ها پدید آورده در حالی که دیگر استان‌ها از مواهب توسعه بهره چندانی نبرده‌اند این مسأله یکی از دلایل عدم توفیق برنامه‌های ملی در مشارکت دادن و کارایی مردم استان ایلام بوده است.

به طور کلی مسائلی را که استان ایلام با توسعه در ابعاد گوناگون با آن مواجه است، می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود: فقدان تفکر و نگرش توسعه‌محور در جامعه و شهروندان که به تبع این نگرش ضد توسعه‌ای در مدیران هم نهادینه شده است، سیاست‌های غلط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مرکز‌محور که نتوانسته ویژگی‌های محلی و بومی را رصد و لحاظ کند، فقدان سرمایه‌گذار توانمند و فرار اندک سرمایه‌داران داخلی به سایر استان‌ها، سیاست‌های غلط که باعث هجوم روستاییان به شهر و برهم‌زدن شاخص‌های آمایش سرزمین شده و عملاً روستاها خالی و شهرها خصوصاً مرکز استان به شکلی بی‌قواره رشد کرده است، نداشتن چهره‌های مؤثر در مراکز قدرت و برنامه‌ریزی کلان کشوری، استارت دیرهنگام استحصال منابع نفت و گاز، فقدان نگاه سیستمی در بحث مدیریت برای مثال، منابع طبیعی خود را از آموزش و پرورش یا اداره کار و امور اجتماعی جدا می‌بیند. حال آن‌که در نگرش سیستمی، تمام اتفاقات و تغییرات مثبت یا منفی در یک بخش اثرات خود را در تمام بخش‌ها نشان خواهد داد. فقدان نهادهای مدنی و تأثیرگذار در تعاملات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تفوق نگاه ایلی و طایفه‌ای در حوزه‌های مختلف و کم‌رنگ بودن نگاه شایسته‌سالاری و تخصص‌محوری، فقدان روحیه کارآفرینی و تولید در مردم استان و وابستگی شدید به سیستم دولتی. آنچه که در حال حاضر برای توسعه همه جانبه جامعه لازم و ضروری است توجه به ابعاد اقتصادی و اجتماعی جامعه است، چرا که توسعه زمانی محقق خواهد شد که در درجه اول، افکار، عقاید، نگرش‌ها و باورهای آدمیان به رشد و توسعه کافی رسیده باشد و سپس درآمد،

رفاه، تولید، مصرف و سایر شاخص‌های اقتصادی. این امر ممکن نیست مگر با انجام مطالعات علمی و کاربردهای دقیق. در این مقاله سعی شده از منظر افراد درگیر و بومی منطقه به بررسی موانع اقتصادی توسعه توجه شود. این منطقه در طول چند سال اخیر تغییرات متعددی را تجربه کرده است. به این معنا که ورود برخی عناصر توسعه نظیر ارتباطات، حمل و نقل، فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی جدید، برخورداری از تسهیلات رفاهی مدرن مانند برق، گاز، تلفن، وسایل نقلیه ماشینی و غیره باعث شده که زندگی اجتماعی در این منطقه تا اندازه‌ای متحول شود و از شکل سنتی آن فاصله گیرد، اما تا وضع مطلوب هم فاصله بسیار زیادی دارد. نکته اساسی آن است که مردم استان ایلام این جهان جدید را می‌بینند، تجربه می‌کنند و آن را تفسیر و درک می‌کنند. درک و تفسیر مذکور دارای اشکال ذهنی، خارجی و عینی است از این رو، درک این اشکال به مطالعه و بررسی نیاز دارد. در این مطالعه، پرسش اصلی آن است که مردم استان ایلام موانع اقتصادی توسعه و پیامدهای آن را چه‌طور درک و تفسیر می‌کنند، چه تصویری از پیامدهای آن در زندگی روزمره و عینی خود دارند و تأثیرهای آن را چگونه ارزیابی می‌کنند.

بیش‌تر صاحب‌نظران توسعه، توسعه همه جانبه را مهم‌ترین هدف توسعه در هر جامعه‌ای می‌دانند. از سوی دیگر، اهداف و راهبردهای توسعه در هر جامعه‌ای نمی‌توانند در خلأ و به‌دور از وضعیتی که شاخص‌ها نشان می‌دهند برنامه‌ریزی شوند، بنابراین استفاده از شاخص‌ها نقش مهمی در تعیین اهداف و گرایش‌های آینده خواهند داشت (سو، ۱۳۸۸: ۷۵). مطالعه عوامل توسعه‌نیافتگی می‌تواند برنامه‌ریزان را با تحلیل عمیق و علمی علل و موانع موجود بر سر راه توسعه آشنا سازد تا آن‌ها با طراحی برنامه‌های مدون توسعه در سطح کلان راه را به سوی توسعه پایدار همراه سازند. برای طراحی برنامه‌های صحیح توسعه، تولید، اشاعه و کاربست ایده‌ها و داده‌های علمی درباره سه پرسش اصلی زیر ضروری است، وضعیت موجود چگونه است و چرا (هستی‌شناسی)، وضعیت مطلوب چگونه باید باشد و چرا (هدف‌شناسی) و راهبرد علمی و اجرایی لازم برای رسیدن به وضعیت مطلوب (امکان‌شناسی). طراحی و برنامه‌ریزی توسعه در سطح کلان می‌تواند از سویی در جهت توسعه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی راهگشا باشد و از سوی دیگر، با نقد برنامه‌های توسعه علمی و تحلیل و تبیین ناکارآمدی‌های آن، راه را برای پرورش استعدادها، خلاق دانش‌آموزان، دانشجویان و پرورش متخصصان کارآمد و دانشمندان هموار سازد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۶). گرچه هدف توسعه یا ایجاد هر نوع تغییر، بهره‌مندی و خوشبختی انسان‌های درگیر است، اما این نکته اهمیت دارد که آیا آنچه انجام شده، در راستای خوشبختی انسان‌ها بوده است، یا بر عکس مردم آن جامعه تعریف یا درک متفاوتی از توسعه و رفاه دارند (پیت، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

مطالعه حاضر از این نظر نیز حائز اهمیت است که با تلقی انسان‌محور از تغییر و توسعه در نظر دارد با ورود به نظام معنایی و انتزاعی ایلامیان به بررسی موانع اقتصادی توسعه پرداخته و آن‌چه را که مردم واقعاً تجربه و درک می‌کنند، مورد مطالعه قرار دهد. به علاوه، مطالعه کنونی درصدد است فرآیند توسعه را به

بررسی موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی در استان ایلام

مثابه نوعی گفتمان در نظر گیرد که در آن بینش نخبه‌گرایانه و یک سونگر کنار گذاشته شده و درک مردم‌گرایانه از تغییر و توسعه به محور اصلی بررسی و تحلیل تبدیل شود (ساردان، ۲۰۰۴: ۳۶). هدف کلی این مقاله بررسی موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی در استان ایلام است. اهداف خاص‌تر این تحقیق را می‌توان به شرح زیر مقوله‌بندی کرد:

- ۱- از نظر مردم استان ایلام موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی در این استان کدامند؟
- ۲- مجاری و منابع این موانع از نظر مردم استان ایلام کدام موارد هستند؟
- ۳- مردم این منطقه پیامدهای این موانع را چگونه درک و تفسیر می‌کنند. به عبارت دیگر، چه تفسیری از آن دارند؟
- ۴- ارائه یک مدل زمینه‌ای از موانع اقتصادی توسعه شامل سه بعد شرایط، تعامل و پیامد بر اساس نظریه زمینه‌ای^۱.

از آنجا که پدیده توسعه دارای ابعاد و جنبه‌های متفاوت و گسترده‌ای است، مطالعه حاضر درصدد است به جنبه‌های متفاوت آن بپردازد. در بررسی هر یک از جنبه‌ها که در زیر ارائه شده‌اند، محقق در نظر دارد همزمان از دو جهت‌گیری و زاویه بررسی استفاده کند. از یک طرف، سعی می‌شود با به‌کارگیری رویکرد اتیک^۲ یا جهت‌گیری بیرونی به مطالعه موانع ایجاد شده در رابطه با بعد اقتصادی توسعه پرداخته شود و از طرف دیگر، با استفاده از رویکرد امیک^۳ یا جهت‌گیری از درون، به واکاوی درک و فهم مردم مورد مطالعه در رابطه با هر یک از موانع اقتصادی توسعه پرداخته شود و از طرف دیگر، با استفاده از مطالعه از این موانع، به شرایط، تعاملات و پیامدهای آن‌ها توجه شود. این دو زاویه برخورد با پدیده مورد بررسی اولین بار توسط ماروین هریس انسان‌شناس، در رویکرد ماتریالیسم فرهنگی وی مطرح شد که محقق را قادر می‌سازد از دو موضع کمی و کیفی به مطالعه موضوع بپردازد (هریس، ۲۰۰۱: ۱۳۵).

از آنجا که مقاله کنونی به‌طور کلی در حوزه انسان‌شناسی فرهنگی و آن هم براساس رویکرد تفسیری انجام می‌شود، لذا نمی‌توان با توجه به مبانی پارادایمی آن که مبتنی بر علوم اجتماعی تفسیری است از چارچوب نظری بحث به میان آورد. این مطالعه در صدد است براساس دیدگاه انسان‌شناسی به مطالعه موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی در استان ایلام بپردازد و مطالعه فرهنگ هر جامعه نیز نیازمند شناخت عمیق و همه‌جانبه هر دو ساختار عینی و ذهنی آن بدون فرضیه یا فرضیه‌های از پیش تعیین شده است. در این بخش، به چارچوب مفهومی پژوهش اشاره می‌شود. چارچوب مفهومی خاص مطالعات تفسیری و انسان‌شناختی می‌باشد که مفاهیم اساسی مورد مطالعه را به گونه‌ای مرتبط مطرح می‌کند. چارچوب مفهومی عبارت است از تبیین، ارتباط منطقی و اتصال مفاهیم اساسی، ایده‌ها و عناصری که قرار است مورد مطالعه قرار گیرند. به علاوه،

1- Grounded theory

2- Etic

3- Emic

مطالعات پیشین و تجربه‌های شخصی محقق نیز در تدوین چارچوب مفهومی اهمیت کلیدی دارند. چارچوب مفهومی طرح تحقیق کیفی باید با چهار بعد تحقیق، شامل اهداف، سوال‌ها، روش و اعتبار آن ارتباط منطقی و درست داشته باشد. برای ساخت چارچوب مفهومی تحقیق کیفی، تبیین و تشریح مفاهیم و مبانی اساسی تحقیق و نیز استفاده از مطالعات پیشین اعم از نظری و عملی ضرورت دارد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۸۶).

در این مقاله از رویکرد تفسیرگرایی برای تدوین چارچوب مفهومی استفاده شده است. این رویکرد مانند سایر پارادایم‌های علوم اجتماعی شامل اثبات‌گرایی و انتقادی دارای اصول پارادایمی خاص خود است. اصول پارادایمی در برگیرنده سه مجموعه سوال است که عبارتند از: سوال‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی (برنشتاین، ۲۰۰۲: ۹۶). هر یک از این سؤال‌ها به ترتیب به تعریف ماهیت انسان و واقعیت اجتماعی، ماهیت علوم و دانش و نیز ماهیت روش و داده‌ها می‌پردازد. در ادامه، به‌طور کلی به مبانی پارادایمی رویکرد تفسیری که بنیان نظری روش‌شناسی کیفی را شکل می‌دهد، پرداخته شده و هم‌زمان مفاهیم محوری موجود در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند (برایمن، ۱۹۸۸: ۸۶).

ابتدا با تعریف ماهیت انسان آغاز می‌کنیم. دیدگاه تفسیری انسان را به مثابه موجودی فعال، خلاق و معنا ساز تعریف می‌کند که مدام در حال ساخت و ساز و نیز معنادار کردن زندگی اجتماعی و واقعیت‌های اجتماعی روزمره خود است. اگر انسان موجودی باشد خلاق و معنا ساز بنابراین، واقعیت‌هایی هم که توسط انسان ساخته می‌شوند سیال، شناور، فاقد ساختار و قواعد یکنواخت و جهان شمول خواهند بود (چپروت، ۱۹۹۴: ۲۱۶). براساس رویکرد تفسیری، واقعیت اجتماعی به مثابه محصولی اجتماعی که در فرآیند تعامل‌های انسانی به صورت روزمره ساخته، بازسازی و تفسیر می‌شود صرفاً قابل درک و تفسیر است. این واقعیت‌ها چون فاقد الگوی عام، از پیش تعیین شده، منظم و فرازمان و فرامکان (مانند رویکرد اثباتی) نبوده و به شکل شناور و موقعیتی در حال شکل‌گیری هستند، تنها می‌توانند درک و فهم شوند. هدف پژوهش علمی از این نظر درک و فهم معنای رفتارها یا کنش‌های متقابل معنادار افراد است که در سطوح بالاتر کنش به یکسری ساختارها و واقعیت‌های عینی کلان‌تر تبدیل می‌شوند (دیوال، ۲۰۰۰: ۱۱۳). این سوال در جامعه‌شناسی کلاسیک و به‌ویژه دیدگاه‌های ماکس وبر با تعریف علم جامعه‌شناسی مطرح شده است. طبق نظر وبر، جامعه‌شناسی علمی است که اساساً به درک تفسیری کنش اجتماعی معنادار و به این وسیله به توضیح علمی مسیر و پیامدهای این کنش می‌پردازد (مک‌گرو، ۱۹۹۲: ۱۴۹).

عنوان رویکرد تفسیری در برگیرنده شماری از نظریه‌های جامعه‌شناختی خاص است که مشهورترین آن‌ها عبارتند از: پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردمی، تأویل‌گرایی، کنش‌متقابل نمادین‌گرایی و سازه‌گرایی که هر کدام به توضیح جنبه‌هایی از تعامل اجتماعی و مکانیسم‌های تولید و باز تولید آن می‌پردازند. این رویکردها بر سطوح خرد زندگی اجتماعی تأکید دارند و جوامع را محصول پیامدهای روابط اجتماعی خرد می‌بینند (واگنر، ۲۰۰۲: ۲۳۶). با بررسی این روابط و شیوه شکل‌گیری آن‌ها می‌توان به درک و فهم چگونگی ایجاد نظام اجتماعی و ساختارهای بزرگ‌تر دست یافت (ویلکر، ۱۹۹۶: ۳۶).

در دیدگاه تفسیری، انسان و محصولات انسانی محوریت دارند. انسان نه تنها محیط و جهان اجتماعی خود را می‌سازد، بلکه به آن معنا و مفهوم نیز می‌بخشد (برگر و لاکمن، ۱۹۶۸). فرآیند معنادار شدن کنش‌های اجتماعی در جایی رخ می‌دهد که از نظر گارفینگل به «جهان زندگی روزمره»^۱ یا «جهان زندگی طبیعی»^۲ یا «زیست جهان»^۳ هوسرل موسوم است (پیت، ۱۳۹۵: ۲۲۷). در فرآیند زندگی روزمره، انسان‌ها به کنش متقابل می‌پردازند و دست به تولید نمادها، معانی و نگرش‌های مشترک می‌زنند که می‌تواند رفتار اجتماعی آن‌ها را معنادار و پیش‌بینی‌پذیر سازد (گیدنز، ۱۳۸۱: ۴۸۶). جهان زندگی مذکور در واقع همان روابط عادی روزمره و متعارف است که در خلال آن انسان‌ها از طریق روابط اجتماعی خود، واقعیت خارجی را به نمایش می‌گذارند. از دیدگاه برگر و لاکمن این واقعیت‌ها «بر ساخته‌های اجتماعی»^۴ هستند؛ برساخته‌های مذکور چیزی نیستند جز کنش‌ها، واکنش‌ها و تعامل‌هایی که معنا و نماد انسانی به آن‌ها الصاق شده است. در همین زمینه، گیرتر در عبارت بسیار مشهوری می‌گوید «انسان حیوانی است معلق در تازه‌های معانی که خودش آن‌ها را بافته است» (هال و همکاران، ۲۰۰۲: ۹۵).

بنابراین درک و شناخت انسان‌ها از محیط خودشان باعث می‌شود تفسیر آنان از زندگی، حوادث و تغییراتی که پیرامون آنها اتفاق می‌افتد، اهمیت داشته باشد. انسان‌ها نه تنها تابع تام و بی‌چون و چرای طبیعت نیستند، بلکه آن را می‌سازند و معنا می‌بخشند (تایلور، ۱۹۷۷: ۱۷۳). از این رو این نکته اهمیت دارد که انسان‌ها چطور به محیط خود می‌نگرند و چگونه آن را ارزیابی و تفسیر می‌کنند. ارزیابی و تفسیر مذکور به مکانیسمی می‌انجامد که آن را «بازاندیشی»^۵ می‌خوانند. در فرآیند بازاندیشی، قبل از حضور محقق، دنیای سوژه‌ها توسط خود آنان تفسیر شده است. پس، کار محقق تنها گردآوری، سازماندهی و هم‌کناری تفاسیر ارائه شده مردم است که گیدنز، از آن به «تأویل دوگانه»^۶ یا «تفسیر تفسرها»^۷ یاد می‌کند. در اینجا کنش‌گران اجتماعی نه تنها به معنادار کردن جهان اجتماعی و سپس تولید نظام یا نظام‌های معنایی مشترک دست می‌زنند، بلکه به هر موقعیتی نیز معنا یا معانی خاصی می‌بخشند؛ به این صورت که هر موقعیت خاصی دارای معنای خاصی می‌گردد. این فرآیند به «شاخص‌بندی»^۸ تعامل‌های اجتماعی موسوم است یعنی؛ به تناسب تجربه‌های موقعیت‌های گوناگون، نظام معنایی گوناگون منطبق بر آن موقعیت‌ها نیز پدید می‌آید. به عبارت دیگر، با ایجاد هر گونه تغییر در محیط یا موقعیت، نظام معنایی منطبق با آن ایجاد می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۱: ۴۸۶).

-
- 1- Everyday Life World
 - 2- Natural Life World
 - 3- Life World
 - 4- Socially constructed
 - 5- Reflexivity
 - 6- Double hermeneutic
 - 7- Interpretation of Interpretations
 - 8- Indexicality

اگر جهان اجتماعی به‌طور کلی برساخته اجتماعی انسان‌ها باشد، پس ما به تعریف فرهنگ رسیده‌ایم یعنی، فرهنگ به مثابه نظام میان ذهنیتی - معنایی و نمادین و در کل به عنوان شیوه زندگی انسان تعریف می‌شود. شیوه‌ای که باز توسط انسان‌ها ساخته شده و یاد داده می‌شود. فراگرد یاد دادن و انتقال این شیوه‌ها در خلال زمان و نسل‌های متعدد به آن خصلتی تاریخی می‌بخشد (کوسونن، ۱۹۷۷: ۲۹۱). با توجه به اهمیت مفهوم فرهنگ و عناصر تشکیل‌دهنده آن که پژوهش کنونی نیز مبتنی بر آن است، به بررسی تعریف و ابعاد کلی فرهنگ پرداخته می‌شود. کروبر^۱ و گلاکمن^۲ حدود ۲۰۰ تعریف متفاوت از فرهنگ ارائه کرده‌اند (اریکسون، ۲۰۰۱: ۳). اما، نخستین تعریف از فرهنگ در انسان‌شناسی به وسیله ادوارد تایلر، انسان‌شناس بریتانیایی، در سال ۱۸۷۱ ارائه شد. به نظر وی، فرهنگ عبارت است از: «یک کل پیچیده که در برگیرنده دانش، باور داشت‌ها، هنر، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و تمام قابلیت‌ها و عادت‌های اکتسابی بشر به عنوان عضوی از جامعه است» (میلر، ۲۰۰۴: ۱۲).

علاوه بر تعریف فوق، برخی دیدگاه‌های معاصر در انسان‌شناسی وجود دارند که اصولاً بر ابعاد شناختی و ذهنی فرهنگ تأکید داشته و به تعامل بین فرهنگ و ذهن می‌پردازند. از نظر این دیدگاه‌ها، فرهنگ یک نظام معنایی و ذهنی است که همه فرایندهای روانی را که وابسته و مرتبط به سطوح اجتماعی و اقتصادی رفتار انسان‌ها هستند، تشریح و تبیین می‌کند (شور، ۱۹۹۶: ۱۱۵).

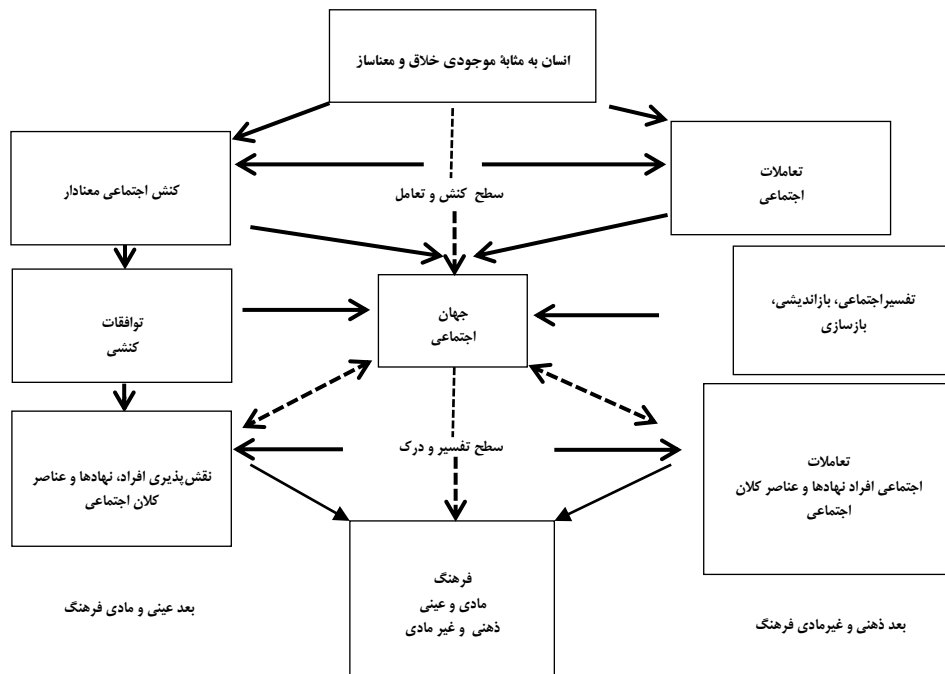
برخی دیگر از انسان‌شناسان مانند ملوین امبر و کارول امبر به‌صورت نسبتاً عینی‌تر و مشخص‌تر بر این باورند که فرهنگ‌ها در اثر دو دسته عوامل داخلی و عوامل خارجی دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند. عوامل داخلی تغییر عبارتند از: ابداع و نوآوری که در نتیجه کشف یک عنصر علمی، تکنولوژیک، اختراع ابزار و فنون یا حتی ایجاد یک نهاد یا سازمان اجتماعی که به تغییر در یک فرهنگ می‌انجامد، پدید می‌آیند. عوامل خارجی تغییر نیز شامل دو عامل اشاعه فرهنگی و اقتباس فرهنگی می‌باشند. اشاعه فرهنگی زمانی اتفاق می‌افتد که عناصر یک فرهنگ به هر دلیلی به فرهنگ‌های دیگر سرایت می‌کند. اقتباس فرهنگی نیز زمانی رخ می‌دهد که یک فرهنگ اقدام با اقتباس از عناصر یک فرهنگ دیگر می‌نماید (امبر و امبر، ۲۰۰۲: ۳۰۳).

پس از ارائه تعریف و مشخصه‌های فرهنگ، ذکر این نکته نیز اهمیت دارد که دانش انسان‌شناسی برای مفهوم فرهنگ چه جایگاه و اهمیتی قائل است و یا به‌کارگیری کدام روش یا روش‌ها به بررسی و تحلیل فرهنگ می‌پردازد. «فرهنگ عنصر بنیادین دانش انسان‌شناسی است» (شور، ۱۹۹۶: ۱۱۶). روش‌شناسی انسان‌شناسی که اصولاً مبتنی بر رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی است مردم‌نگاری را به عنوان تنها ابزار قدرتمند درک فرهنگ به کار گرفته است. این روش در برگیرنده عملی هوشمندانه و برخوردی عمیقاً عاطفی و همدلانه است. محصول یک فرآیند و عمل مردم‌نگارانه، تفسیر فرهنگی است (فترمن، ۱۹۸۸: ۱۷۶).

1- Krober
2- Gluckman

بررسی موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی در استان ایلام

اگر از زاویه فرهنگ به موانع توسعه‌یافتگی توجه شود، درک و شناخت تفسیر مردم از توسعه و پیامدهای آن که بر پذیرش یا مقاومت در برابر آن مؤثر است، امری بسیار ضروری و مهم است. این پژوهش در صدد است ضمن بررسی موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی به این مسئله نیز توجه نماید که مردم ایلام چگونه به تغییرات ایجاد شده می‌نگرند، چگونه آن را تجربه می‌کنند، چه درکی از آن دارند یا به عبارت دیگر، اگر تغییر و تحولاتی در این فرهنگ ایجاد شده یا در حال ایجاد شدن است، مردم منطقه چگونه آن را تفسیر می‌کنند. بنابراین، میزان پذیرش تغییر و دگرگونی در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است و فرهنگ ایلام نیز از این قاعده مستثنی نیست. نکته مهمی که در اینجا باید ذکر شود و مطالعات انسان‌شناختی متعددی در مورد اهمیت آن بحث کرده‌اند آن است که یک فرهنگ همواره در یک محیط فیزیکی و جغرافیایی خاص شکل می‌گیرد. از آنجا که فرهنگ‌ها در محیط‌های اکولوژیک متفاوتی شکل می‌گیرند، اختصاصات معین فرهنگی و محیطی خاصی هم دارند. فرهنگ و محیط بر یکدیگر مؤثر هستند و پیامدهای این تأثیرها نیز به شیوه‌های گوناگون نمایان می‌شود. این توجه محوری به تأثیر مهم اکولوژی بر فرهنگ در رویکرد اکولوژی فرهنگی ژولیان استیوارد بحث شده است. بر همین اساس، جامعه ایلام با دارا بودن مشخصه‌های اکولوژیک خاص و تأثیر پذیری از شرایط و محدودیت‌های بوم‌شناختی دارای فرهنگی ویژه است که با بررسی ابعاد ریخت‌شناسی اجتماعی، نظام باورداشت‌ها و حتی ادبیات و موسیقی آن می‌توان به اهمیت این تأثیرها پی برد.



مدل (۱): چارچوب مفهومی تحقیق

روشی

با توجه به اینکه روش‌شناسی عمده این تحقیق کیفی بوده و از روش مردم‌نگاری برای استخراج و گردآوری داده‌ها و از نظریه زمینه‌ای جهت تحلیل و بررسی داده‌ها استفاده شده است. در این پژوهش، اطلاعات مشاهده‌ای و اسنادی توسط محقق گردآوری شد و اطلاعات مصاحبه‌ای نیز از ۵۶ نفر از افراد دارای تحصیلات عالی کارشناسی ارشد و بالاتر در رشته‌های اقتصاد و علوم اجتماعی ساکن در شهرستان‌های ایلام، چرداول، مهران، دره شهر و دهلران که اغلب از اساتید دانشگاه، فرهنگیان و شاغلین در بخش خصوصی و دولتی بودند. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان بین سنین چهل تا پنجاه سال بود. و اطلاعات مشاهده‌ای و اسنادی توسط محقق گردآوری و اطلاعات مصاحبه‌ای از ۵۶ نفر مصاحبه‌شوندگان ساکن در میدان مطالعه گردآوری شده است. برای تعیین افراد مورد مصاحبه، از روش نمونه‌گیری کیفی - هدفمند و برای تعیین تعداد مصاحبه‌شوندگان از منطق اشباع نظری در نمونه‌گیری نظری استفاده شد. به این ترتیب که مصاحبه‌های متعدد صورت گرفت تا جایی که فضای مفهومی سوال‌های تحقیق اشباع شد و پاسخ‌های افراد تکراری یا مشابه به نظر می‌رسید.

بعد از گردآوری داده‌ها، عملیات طبقه‌بندی و منظم‌سازی آنها انجام شد. در این مرحله، داده‌های مشاهده‌ای - مصاحبه‌ای و اسنادی موجود از هم تفکیک شده و هر کدام بر حسب سوال‌های محوری تحقیق به‌طور جداگانه مرتب شدند. در گام اول تحلیل اطلاعات، داده‌های مصاحبه‌ای به تفکیک هر سوال محوری تحقیق در واحد سطر به‌صورت سطر به سطر و به‌دقت کدبندی باز شدند و مفاهیم اولیه برگرفته از داده‌ها به‌دست آمدند. هم‌زمان از اطلاعات مشاهده‌ای نیز برای تکمیل مفاهیم، تشخیص مناسب کدها و درک کلی ارتباط بین آنها استفاده می‌شد. به علاوه، از داده‌های مشاهده‌ای و اطلاعات آماری موجود برای نگارش بررسی توصیفی میدان مطالعه و معرفی عمومی ابعاد جامعه مورد مطالعه بهره گرفته شد. در کل فرآیند نگارش گزارش تحقیق، محقق با مراجعه مکرر به داده‌های مشاهده‌ای، تصویری، شنیداری و مکتوب، خود را در فضای میدان مطالعه قرار می‌داد و جنبه‌های مختلف آن را به خاطر می‌آورد. بعد از اتمام فرآیند کدبندی باز، کدبندی محوری شروع شد. در این قسمت مقوله‌های به‌دست آمده با یکدیگر مقایسه شدند و ابعاد آنها تشخیص داده شد. سپس با تعیین ارتباط منطقی و معنایی بین آنها، خط داستان هر کدام به نگارش درآمد. در مرحله کدبندی گزینشی، باید مقوله هسته - تحلیلی تعیین می‌شد. در این مرحله یا باید از بین مقوله‌های به‌دست آمده مقوله هسته مشخص شود یا محقق یک مقوله جدید برای پر کردن فضای مفهومی کل مقوله‌ها (برای آن سوال خاص) را تعیین می‌کرد. لذا مقوله هسته جداگانه‌ای برای هر یک از سوال‌های محوری تحقیق که فرآیند کدبندی باز، محوری و گزینشی را طی کرده بودند، تعیین شد. سپس باید مدل پارادایمی برای هر سوال پژوهشی براساس مقوله‌ها ترسیم شود. لذا با دسته‌بندی مقوله‌های عمده حول مقوله هسته در قالب مدل شرایط، تعامل و پیامد، به تفکیک هر سوال ۴ مدل پارادایمی به دست آمد که هر کدام بیانگر یک نظریه زمینه‌ای ویژه برای سوال محوری بودند. از این‌رو برای بررسی ابعاد چندگانه پدیده مورد مطالعه، یعنی درک موانع اقتصادی، چندین مدل پارادایمی ساخته شد و سپس هر کدام از آنها در قالب یک مدل یا دیگرام صوری نمایش داده شد.

بررسی موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

یافته‌ها

هدف این قسمت از مقاله ارائه و تشریح یافته‌های عمده یا مقوله‌های اصلی است که بنیان نظریه زمین‌های را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که گفته شد، چهار سوال محوری در مقاله حاضر بررسی شده‌اند که محقق با استفاده از روش‌های گردآوری اطلاعات (مشاهده مشارکتی، مصاحبه و داده‌های اسنادی) به آن‌ها پاسخ داده است. منطبق و شیوه تحلیل یافته‌ها براساس الگوی عمومی پژوهش‌های انجام شده در نظریه زمین‌های است. مهم‌ترین موانع اقتصادی توسعه یافتگی استان ایلام از نگاه ایلامیان عبارتند از:

۱- مشکلات اکولوژی؛ با بررسی داده‌های به دست آمده در مرحله اول کدگذاری باز ۴۵ مفهوم به دست آمد که در جدول زیر ارائه شده‌اند. این مفاهیم بیانگر دیدگاه عمومی مردم استان ایلام در رابطه با مشکلات اکولوژی و نیز ارزیابی آن‌ها از پیامدهای آن است.

جدول (۱): موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

ردیف	عبارت	مفهوم
۱	همان‌طور که می‌بینید اینجا خاک و زمین کمی برای زراعت و کاسبی وجود دارد	کمبود خاک زراعی
۲	برای کله‌هایمان هم علوفه کافی نداریم مراتع و علفزارها کم است	کمبود مراتع
۳	اکثر زمین‌های ما هم دیم هستند	دیمی بودن زمین‌ها
۴	زمین آبی در این منطقه خیلی کم هست	کمبود زمین آبی
۵	ایلام یعنی کوه، همه اش کوه و کمر است، خودت که می‌بینی	وضعیت کوهستانی
۶	یک جا دره است، یک جاتپه، جای صاف و درست حسابی هم ندارد	ناهمواری منطقه
۷	ایلام همه چیزش سخت است. رفت و آمدش. زندگی کردنش. همه چیزش	صعب‌العبوری منطقه
۸	تعدادی از ما در این جا عشاير کوچ نشين هستيم	کوچ نشینی
۹	با بدبختی همراه خانواده اینجا و آنجا همراه چند رأس دام می‌رویم	بیلاق و قشلاق دشواری
۱۰	منطقه ما از نظر آب و هوایی وضع مناسبی ندارد	آب و هوای نامناسب
۱۱	آب و هوای گرم و خشک به درد زراعت نمی‌خورد	آب و هوای گرم و خشک
۱۲	این آب و هوا به درد زندگی هم نمی‌خورد	آب و هوای خشن
۱۳	فکر می‌کنی در این بیلاق چقدر مرتع هست. هم‌ااش سنگ و خار است	نامرغوب بودن مراتع
۱۴	کدام خاک، هیچ محصول زراعی در این منطقه رشد نمی‌کند	نامرغوب بودن خاک
۱۵	زمین‌های منطقه پر از مواد ناریه است	مواد ناریه
۱۶	هر ساله چندین نفر در این اراضی به علت مواد منفجره و مین به شهادت می‌رسند	آثار جنگ
۱۷	خیلی از این زمین‌ها از بعد از جنگ هم زیر کشت نرفته‌اند	بایر بودن زمین‌ها
۱۸	۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با عراق داریم	هم مرزی با عراق
۱۹	از زمین‌های مرزی استفاده چندانی نمی‌شود	عدم استفاده از زمین‌های مرزی
۲۰	در این منطقه مقدار زمین نسبت به جمعیت خیلی کم است	کمبود زمین
۲۱	زمین‌های دیم فقط به امید باران کاشت می‌شود	امید به باران
۲۲	در سال‌های خشکسالی کشاورزان متحمل ضرر می‌شوند	ضرر خشکسالی
۲۳	مقداری از منطقه ما هم بیابان خشک و بی آب علف است	بیابان
۲۴	در این بیابان‌ها هیچ کشاورزی انجام نمی‌گیرد	بیابان فاقد استفاده
۲۵	سوغات کشورهای عربی همسایه‌ها گردو خاک است	گردو خاک
۲۶	گردو و خاک زندگی را بر ما حرام کرده است	سختی‌های گردو و خاک
۲۷	گردو خاک باعث بیماری ربوی و تنفسی زیادی شده است	آثار گردو و خاک
۲۸	خیلی از مردم منطقه هیچ گونه زمین زراعی ندارند	فاقد زمین زراعی
۲۹	در اثر گردو و خاک زیاد اوقات ادارات تعطیل می‌شود	تعطیل ادارات
۳۰	مشکل ما این است که از مرکز کشور دور هستیم	دوری از مرکز
۳۱	استان ما در بن بست جغرافیایی قرار دارد	بن بست استان

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هفدهم، شماره شصت و چهارم، بهار ۱۳۹۹

۳۲	ما فقط با دو سه استان ارتباط داریم	موقعیت ارتباطی
۳۳	تعدادی از مردم به شهرهای دیگر برای کار می‌روند و بر نمی‌گردند	مهاجرت
۳۴	برخی ها چند ماه آنجا کار می‌کنند بعد هم بر می‌گردند همین جا برای خانواده شان خرج می‌کند	مهاجرت
۳۵	برخی‌ها فقط زمستان برای کار می‌روند و بر می‌گردند	مهاجرت
۳۶	برخی‌ها روزانه از روستا برای کار به شهر می‌آیند و غروب بر می‌گردند	مهاجرت
۳۷	برخی از مردم که هیچ زمینی ندارند ماشین دارند رانندگی می‌کنند	رانندگی
۳۸	عده ای به خاطر کارو کاسپی کساد به مغازه داری روی آورده‌اند	مغازه داری
۳۹	تعدادی هم کارمند هستند که به شغل کارمندی مشغول هستند	کارمندی
۴۰	تعدادی از افراد هم معلم و آموزگارند و مثل ما اسیر کار و ریج نیستند	شغل معلمی
۴۱	هر کسی طوری زندگی می‌کند تعدادی هم مشغول معامله و تجارت هستند	تجارت خرده پا
۴۲	مشاغل امروز درآمد بیشتری دارند و از دامداری و کشاورزی ما بهترند	درآمدزایی مشاغل جدید
۴۳	زندگی الان نسبت به قدیم کاسپی بیشتری دارد اما کفاف نمی‌کند و گرنه بیشتر است	وجود مشاغل بیشتر
۴۴	هر فرصت و موقعیت اقتصادی که پیش بیاید. همه دوست داریم. کسی دوست ندارد	استقبال از فرصت‌ها
۴۵	دوست داریم، دوست داریم از هر چه امکانات هست برخوردار باشیم	میل به رفاه بیشتر

بعد از انجام عملیات مرحله اولیه کدبندی باز، در مرحله دوم کدبندی باز، مفاهیم مشترک و مشابه از نظر معنایی در قالب ۷ مقوله عمده طبقه‌بندی شده‌اند. این مقوله‌ها از سطح بالاتری از انتزاع برخوردارند. در جدول زیر مقوله‌های عمده به تفکیک کدها و مفاهیم اولیه آورده شده‌اند.

جدول (۲): مقوله‌های عمده مربوط به درک و تفسیر موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

ردیف	مقوله‌ها	مفاهیم
۱	موقعیت طبیعی	وضعیت کوهستانی، ناهمواری منطقه، صعب‌العبور بودن منطقه، آب و هوای نامناسب و آب و هوای گرم و خشک، وجود یابان، خشکسالی
۲	محدودیت منابع	فقدان خاک زراعی، کمبود مراتع، کمبود زمین کشاورزی، کوچ نشینی دشوار، کمبود زمین آبی
۳	موقعیت جغرافیایی	بین بست بودن منطقه، هم مرزی با کشور عراق، آثار جنگ، بایر بودن زمین‌های مرز، وجود مواد ناره در زمین‌های مرزی، ارتباط محدود با دو سه استان
۴	گردو خاک	بیماری‌های تقسی روی، تعطیلی ادارات، سختی زندگی بر مردم، خستگالی
۵	گسترش بخش خدمات	رانندگی، معلمی، مغازه داری، کارمندی، تجارت خرده پا
۶	مهاجرت	کارگری، روزانه، فصلی، کوتاه مدت، دائمی
۷	ارزیابی مثبت از تغییرات	درآمد زایی مشاغل جدید، وجود مشاغل بیشتر، میل به رفاه بیشتر، استقبال از فرصت‌ها

همان‌طور که در جدول فوق دیده می‌شود، در این مرحله ۷ مقوله استخراج شده‌اند. در مرحله دوم کدگذاری، یعنی کدگذاری محوری به شرح هریک از مقوله‌های فوق با ارجاع به گفته‌های افراد مورد مصاحبه و ارتباط بین آن‌ها پرداخته می‌شود.

با توجه به مقوله‌های عمده و توضیح‌های ارائه شده‌ی فوق می‌توان گفت که مفهوم یا مقوله‌ی مشکلات معیشتی مفهومی است که می‌تواند کلیه سوال‌ها و مباحث فوق را پوشش داده و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد.

جدول (۳): مقوله‌های عمده و مقوله‌ی هسته (مشکلات اکولوژیک)

ردیف	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	موقعیت طبیعی	مشکلات معیشتی
۲	محدودیت منابع	
۳	موقعیت جغرافیایی	
۴	گردو خاک	
۵	گسترش بخش خدمات	
۶	مهاجرت	
۷	ارزیابی مثبت از تغییرات	

بررسی موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

براساس مقوله هسته که خود برگرفته و انتزاع شده از سایر مقوله‌های عمده است، مردم استان ایلام پیامدهای مشکلات اکولوژی را به مثابه مشکلات معیشتی درک و ارزیابی می‌کنند. به این معنا که آنان بر این باورند مشکلات اکولوژی جامعه مانع توسعه و افزایش سطح زندگی اقتصادی آنها می‌باشد. مقوله محوری فوق به وضوح بیانگر این مطلب است که مردم ایلام با رویکردی منفی و غیرکارکردی به مشکلات اکولوژی ایجاد شده، می‌نگرند. درک پیامدهای مشکلات اکولوژی به مثابه مشکلات معیشتی متأثر از یکسری شرایط و بسترها بوده و در نتیجه تعاملات و فرآیندهای خاصی حاصل شده است. به علاوه، درک مذکور خود دارای نتایج خاصی نیز می‌باشد که در زیر هر یک از این نکات بررسی و تحلیل می‌شود. یکسری شرایط و بسترها در استان ایلام وجود دارد که باعث ایجاد مسائل و مشکلات اقتصادی متعددی برای مردم آن سامان شده است. این شرایط از نظر مردم منطقه در سه طبقه عمده قرار می‌گیرند که عبارتند از: موقعیت طبیعی، کمبود منابع و موقعیت جغرافیایی. از نگاه مردم ایلام، منطقه آن‌ها مکانی کوهستانی و نسبتاً خشک است که سبب عدم هرگونه تحرک و پیشرفت اقتصادی شده است. اکولوژی منطقه باعث شده که جبر و فشارهای محیطی و جغرافیایی بر ساختار اقتصادی، سنتی و بومی منطقه به شدت تأثیر گذاشته و مانع رشد و شکوفایی اقتصادی این منطقه شود. یکی از مشارکت کنندگان تحقیق عنوان می‌کند:

«ما ایلامی‌ها چه در گذشته و چه در حال معیشت و گذران زندگی سختی داشته‌ایم، چون اینجا همان‌طور که شما دارید می‌بینید همه‌اش کوه است، دره است، صخره است، حتی خاک هم زیاد نیست، اینجا واقعاً جای زندگی نیست. مردم به سختی گذران زندگی می‌کنند. الان یک مقدار وضع زندگی بهتر شده، مردم راحت‌تر زندگی می‌کنند. کسی حریف این منطقه سخت و خشن نمی‌شود».

مشکلات محیط طبیعی مورد بحث خود به خود باعث شده منابع اقتصادی اندکی در دسترس بوده و پتانسیل‌های رشد اقتصادی محدودی وجود داشته باشند. کمبود و در برخی نواحی فقدان زمین زارعی - باغی، کمبود مراتع و علوفه برای دامداری که مردم منطقه را برای چندین ماه از سال مجبور به کوچ کردن و اقامت در بیلاق‌ها می‌کند و کمبود منابع آبی نمونه‌هایی از این منابع هستند که به میزان بسیار اندکی در دسترس هستند. بر همین اساس، زراعت بسیار محدود، دامداری محدود به چند رأس دام، باغداری سنتی و صنایع دستی محدود ارکان عمده اقتصاد سنتی این جامعه را تشکیل می‌دهند. در نتیجه فقدان منابع که خود تا حدی ناشی از مشکلات اکولوژیکی آن منطقه است، اکثر ساکنان منطقه از موقعیت جغرافیایی رنج می‌برند؛ به این معنا که مردم منطقه از گذشته تاکنون در شرایط دشوار جغرافیایی و با گرد و خاک می‌زیسته‌اند. به علاوه، همان‌طور که مردم خودشان خاطر نشان ساخته‌اند، هجوم ریزگردها اکثر ساکنان منطقه ایلام را آزار داده است. در همین رابطه یکی از مشارکت کنندگان می‌گوید:

«این گرد و خاک که در طول چند سال گذشته وارد کشور و اول وارد استان ما می‌شود بر روی کشاورزی و باغداری ما تأثیر منفی دارد الان خیلی از درختان میوه در این مناطق خشک شده اند و قبلاً در این منطقه خیلی از مردم کندوی عسل داشتن اما الان این کندوها جمع‌آوری شده‌اند».

تحت تأثیر شرایط مذکور، مردم ایلام نیز در راستای بهبود وضعیت اقتصادی خود دست به اقداماتی زده‌اند. به عبارت دیگر، در برابر شرایط مذکور واکنش‌ها و تعاملات خاصی از خود بروز داده‌اند که می‌توان آن‌ها را طبق نظر ساکنین منطقه در دو مقوله عمده جای داد. این دو مقوله عبارتند از: درگیری و اشتغال به مشاغل جدید اقتصادی که عمدتاً خدماتی هستند و مهاجرت (کارگری در شهرهای صنعتی و به‌ویژه تهران). مشاغل خدماتی مذکور عمدتاً شامل مشاغل اداری، آموزشی، مغازه داری، رانندگی و تا اندازه‌ای تجارت خرده پا است که تعداد زیادی از مردم را به خود مشغول کرده است. در کنار این مشاغل، تعداد زیادی از مردم این دیار هر ساله در جستجوی کار به شهرهای دیگر، یعنی به‌ویژه شهرهای صنعتی و تهران مهاجرت می‌کنند. در این فرآیند، تعدادی از آنان به زادگاه خود بر می‌گردند، حال آن‌که تعدادی دیگر در آنجا اقامت می‌کنند، گرچه پیوند خود را با منطقه حفظ می‌کنند. در هر حال، مهاجرت‌های کاری یکی از واکنش‌ها و تعامل‌هایی است که مردم این استان با شرایط محدود کننده تحرک اقتصادی خود دارند.

در همین خصوص یکی از ساکنین منطقه می‌گوید:

«وضع اقتصادی ما چندان خوب نیست. مردم اینجا همیشه اسیر کار و گرفتاری هستند، یعنی در دوازده ماه سال کار می‌کنند و زحمت می‌کشند. اکثر جوانان هم برای کارگری می‌روند تهران. آنجا یا کارگری می‌کنند یا در شرکتی، جایی مشغولند. خوب مردم چه کنند، باید بالاخره زندگی بگذرد، می‌دانیم بدون مشکل نیست، جوان می‌رود و مدت‌ها از همه بی‌خبر است، اما به هر حال می‌شود پول درآورد».

در نتیجه تعامل‌های مذکور، مردم این استان ارزیابی مثبتی از زندگی کنونی خود دارند. این ارزیابی دارای خصوصیت تطبیقی است. به این معنا، که در مقایسه با شرایط دشوار زندگی اقتصادی گذشته عنوان می‌شود. آنان بر این باورند که روی هم رفته پیدایش مشاغل جدید در کنار فعالیت‌های اقتصادی خارج از ایلام (مهاجرت کاری)، باعث بهبود عمومی سطح زندگی اقتصادی آن‌ها شده است. اما در خود استان هنوز اقدامات مفیدی برای مشکلات مربوط به اکولوژیک منطقه انجام نشده است. این عامل باعث شده که این استان هم‌چنان در تمام شاخص‌های اقتصادی در ردیف استان‌های آخر کشور قرار گیرد. در نتیجه ارزیابی مذکور، مردم منطقه ضمن استقبال از هر گونه تغییر و توسعه اقتصادی، خواهان مساعدت و سرمایه‌گذاری دولت در محیط بومی خود هستند. آن‌ها اعتقاد دارند که می‌توان با مکانیزه کردن برخی فعالیت‌های اقتصادی بومی یا تأسیس صنایع سبک مبتنی بر محصولات بومی منطقه به رشد اقتصادی جامعه آن‌ها کمک کرد.

۲- فقر اقتصادی؛ با بررسی داده‌های به دست آمده در مرحله اول کدگذاری باز ۵۰ مفهوم به دست آمد که در جدول زیر ارائه شده‌اند. این مفاهیم بیانگر دیدگاه عمومی مردم ایلام در رابطه با موانع اقتصادی توسعه یافتگی مبحث مربوط به فقر اقتصادی و نیز ارزیابی آنان از پیامدهای آن است.

جدول (۴): موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

ردیف	عبارت	مفهوم
۱	معیشت ما ایلامی‌ها سخت و ضعیف است آقدر که انسان رویش نمی‌شود بگوید وضع خوبی نداریم	اقتصاد ضعیف کنونی
۲	در اینجا همه مردم فقیر هستند	فقر عمومی
۳	خود من کار و کاسبی درستی ندارم	بیکاری

بررسی موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

۴	اکثر جوانان و مردم این منطقه بیکار هستند	بیکاری عمومی
۵	واقعاً کمتر ما با سختی امرار معاش می‌کنیم	زندگی سخت
۶	خیلی از مردم اینجا کارت پارانه را درگرو قانونی گذاشته اند	زندگی بخور و نمیر
۷	خانواده ما غیر از پارانه منبع درآمد دیگری ندارد	عدم درآمد
۸	یک مقدار ما هم تیل هستیم و هیچ حرکتی از خود نشان نمی‌دهیم	تیل شدن مردم
۹	چه تهبلائی یک شهر بزرگ هنوز هم یک پارک مناسب برای بچه‌ها ندارد	نبود تهبلائی رفاهی
۱۰	الان هم باید زحمت بکشی و هر کاری را با بدبختی و عرق ریختن انجام بدی	سختی معیشت
۱۱	در زندگی ما مسائل و مشکلات زیادی وجود دارد	مشکلات زندگی
۱۲	در هر خانواده ای چند جوان تحصیل کرده بیکار وجود دارد	بیکاری تحصیل کرده‌ها
۱۳	امکانات بهداشتی کجا بود خیلی از روستاها هنوز هم خانه بهداشت ندارند	فقدان امکانات بهداشتی
۱۴	دو نفر هنوز نمی‌توانند به امور روستا برسد می‌خواهیم بیشتر شوند	نیاز به بهورزهای بیشتر
۱۵	در هیچ کدام از شهرستانهای ما دستگاه ام آر آی وجود ندارد	نبود وسایل پزشکی
۱۶	برای یک سونوگرافی ساده باید چهار ساعت تا مرکز استان برویم	نبود امکانات پزشکی در شهرستان‌ها
۱۷	تجهیز خانه بهداشت‌ها لازم است امکانات کنونی برای ما محدود است	تجهیز خانه بهداشت‌ها
۱۸	در شهرستان ما فقط دو پزشک متخصص وجود دارد	فقدان پزشک متخصص
۱۹	تمام شهرستان‌های استان و مرکز استان یک سینما ندارد	نبود سینما
۲۰	توان مالی مردم در اینجا در حد خیلی پایین است	ضعف توان مالی مردم
۲۱	در این استان افراد سرمایه دار خیلی کم هستند	فقدان سرمایه دار
۲۲	خیلی از خانواده‌ها به ندرت از میوه و گوشت و غذاهای مقوی استفاده می‌کنند	تقدیر به نامناسب
۲۳	اکثر مردم درآمدشان محدود به زمین‌های اندک کشاورزی می‌باشد	درآمد محدود
۲۴	زندگی در اینجا برای همه تکراری است	زندگی تکراری
۲۵	یک نوع نگاه اعانت و درخواست کمک از دیگران در مردم اینجا دیده می‌شود	فرهنگ سراری
۲۶	خانواده‌های زیادی چشم و امیدشان به نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد و بهزیستی است	امید به نهادهای حمایتی
۲۷	خیلی از شهرستان‌ها و بخش‌های ما در محرومیت کامل به سر می‌برند	محرومیت
۲۸	هنوز خیلی از روستاهای مناطق ما آب آشامیدنی لوله کشی شده ندارند	فقدان آب شرب
۲۹	در اینجا خانواده‌های زیادی هستند که دارای چندین فرزند هستند	جمعیت زیاد
۳۰	خانواده‌ها با فرزندان زیاد منبع درآمد خاص هم ندارند	عدم درآمد
۳۱	اگر کسی اندک سرمایه ای دارد از این جا مهاجرت می‌کند	مهاجرت
۳۲	خیلی از سرپرستان خانواده برای درآمد و کارگری به شهرستان‌های دیگر مهاجرت می‌کنند	مهاجرت برای کار
۳۳	تعداد زیادی از روستاها در اثر عدم درآمد خالی از سکنه شده اند	خالی شدن روستا
۳۴	اینجا فقط اسمش شهره هیچ امکانات رفاهی نداره	عدم امکانات رفاهی در شهر
۳۵	درآمد خیلی از خانواده‌ها محدود به چند رأس دام است	درآمد محدود
۳۶	در اینجا مردم خیلی کم به مسافرت می‌روند	عدم تفریح
۳۷	درآمد و سرمایه مردم در آن حدی نیست که حداقل سالی یکبار به مسافرت بروند	نبود سرمایه برای مسافرت
۳۸	همه ما بچه‌هایمان را می‌فرستیم مدرسه درس بخوانند	فرستادن بچه‌ها به مدرسه
۳۹	راستی امروز تنها با سواد دار شدن انسان می‌تواند شغل پیدا کند. انسان بی سواد هیچ‌کاره است	پیدا کردن شغل
۴۰	سواد و درس هم برای گذراندن زندگی است هم برای تأمین معیشت	امرار معاش جدید
۴۱	من خود فکر می‌کنم اگر بچه‌هایمان را فرستیم مدرسه آینده آن‌ها تأمین می‌شود	تأمین آینده
۴۲	خیلی از خانواده‌ها به خاطر ادامه تحصیل فرزندان‌شان مهاجرت می‌کنند	مهاجرت به قصد ادامه تحصیل
۴۳	در خواست داریم امکانات دارویی در منطقه ما پیش‌تر شود	افزایش امکانات دارویی
۴۴	ما دوست داریم و می‌خواهیم افراد خانه بهداشت بیشتر شوند. اینجا کم است.	تقاضای افزایش کارکنان در خانه بهداشت
۴۵	تجهیز خانه بهداشت‌ها لازم است امکانات برای ما محدود است	تجهیز خانه بهداشت
۴۶	در این بیمارستان نیاز به پزشک متخصص داریم	درخواست پزشک متخصص
۴۷	این که معلوم است از هر گونه امکانات بهداشتی استقبال می‌کنیم و می‌خواهیم	استقبال از امکانات جدید بهداشتی
۴۸	بیمارستان‌های شهر و مرکز نیاز به تجهیزات پیش‌تری دارند	تجهیز بیمارستان‌ها
۴۹	خیلی از مردم روزانه به میدان کار می‌روند و اکثر اوقات کاری برای آن‌ها پیدا نمی‌شود.	کارگران روزمزد
۵۰	ما بیمه مناسب یا بیمه پوشش خاصی که ما را حمایت کند نداریم	نبود بیمه مناسب

بعدها انجام عملیات اولیه کدبندی باز، در مرحله دوم کدبندی، ۷ مقوله استخراج شد که در جدول زیر به تفکیک کدها و مفاهیم اولیه آورده شده‌اند.

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هفدهم، شماره شصت و چهارم، بهار ۱۳۹۹

جدول (۵): مقوله‌های عمده مربوط به درک و تفسیر موانع توسعه یافتگی در استان ایلام

ردیف	مقوله‌ها	مفاهیم
۱	فقر عمومی	اقتصاد ضعیف کنونی، زندگی بخور نمیر، عدم درآمد، زندگی دشوار، درآمد محدود پایین، فقدان سرمایه دار در منطقه، جمعیت زیاد
۲	رفاه پایین	تجدیه نامناسب، نبود پارک، نبود سینما، فقدان بیمه مناسب، نرفتن به مسافرت و تفریح، زندگی تکراری، امید به نهادهای حمایتی
۳	عدم امکانات بهداشتی	نبود وسایل و امکانات پزشکی، فقدان پزشک متخصص، کمبود پیورز، کمبود خانه بهداشت، کمبود امکانات دارویی
۴	مهاجرت	مهاجرت اندک سرمایه داران، مهاجرت برای پیدا کردن کار، مهاجرت برای تحصیل، خالی شدن روستاها از سکنه
۵	بیکاری	بیکاری تحصیلکرده‌ها، بیکاری فصلی، بیکاری سرپرست خانواده‌ها، کارگران روزمرد، بیکاری عمومی
۶	استقبال عمومی از آموزش	استقبال از امکانات آموزشی، وجود تحصیل کرده در همه خانواده‌ها، پیدا کردن شغل امرار معاش جدید از طریق آموزش، تأمین آینده با استفاده از پاسوادی
۷	درخواست امکانات بهداشتی بیشتر	نیاز به پیورزهای بیشتر، تقاضای افزایش کادر خانه بهداشت، باز کردن دست پیورزها، افزایش امکانات دارویی و بهداشتی، تجهیز خانه بهداشتی بیشتر

در این مرحله به ترکیب مقوله‌های ۷ گانه در قالب یک مقوله محوری می‌پردازیم. مقوله محوری یا هسته باید بتواند درک و ارزیابی کلی مردم استان ایلام را از پیامدهای فقر اقتصادی در بر گیرد. بر همین اساس مقوله «تلاش برای بقا» را به عنوان متغیر هسته انتخاب می‌کنیم. براساس این مقوله مردم ایلام فقر را پدیده‌ای می‌بینند که سلامت جسمی و روحی آنها را به خطر می‌اندازد. آنها معتقدند که با امکانات بهداشتی بیشتر و آموزش بالاتر می‌توان زمینه مناسبی برای سلامتی و افزایش کیفیت زندگی آنها فراهم کرد.

جدول (۶): مقوله‌های عمده و مقوله هسته

ردیف	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	فقر عمومی	تلاش برای بقا
۲	رفاه پایین	
۳	عدم امکانات بهداشتی	
۴	بیکاری	
۵	مهاجرت	
۶	استقبال عمومی از آموزش	
۷	درخواست امکانات بهداشتی بیشتر	

براساس این مقوله مردم ایلام فقر را پدیده‌ای می‌بینند که سلامت جسمی و روحی آنها را به خطر می‌اندازد. آنها معتقدند که با امکانات بهداشتی بیشتر و آموزش بالاتر می‌توان زمینه مناسبی برای سلامتی و افزایش کیفیت زندگی آنها فراهم کرد. نکته دیگر آن است که درک فقر اقتصادی به مثابه تلاش برای بقا در قالب یکسری شرایط و فرآیندهای خاصی صورت گرفته است و دارای یکسری پیامدهایی نیز می‌باشد. اینکه که چرا چنین درکی از فقر وجود دارد و چه طور حاصل شده است. مقوله‌های فوق را می‌توان به صورت منسجم در قالب یک خط مسیر شامل شرایط، فرآیندها و پیامدهای فقر مطرح کرد. همان طور که در مباحث قبلی هم اشاره شد، استان ایلام با مشکلات متعدد اقتصادی روبرو بوده است که یکی از آنها بیکاری است. وجود این سیستم نامناسب منجر به پیدایش آسیب‌های دیگر اقتصادی مانند فقر عمومی و به تبع آن میزان پایین رفاه می‌شود.

یکی از ساکنین منطقه در این زمینه می‌گوید:

«الان مشکل همه خانواده‌ها بیکاری فرزندانشان می‌باشد هر خانواده دو یا چند جوان تحصیلکرده بیکار دارد که سن آنها بالا می‌رود و کاری پیدا نمی‌کنند. بعضی از این جوانان هم رو به مواد مخدر می‌آورند.»

بررسی موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

بعضی‌ها هم دنبال کارهای خلاف مانند دزدی می‌روند. چکار کنند چاره‌ای ندارند. درآمدی هم ندارند و نمی‌توانند از دواج هم بکنند».

در کنار آن کمبود امکانات بهداشتی خود نیز زمینه‌ساز بیماری‌ها و مرگ و میرهای بالا را در این جامعه فراهم می‌آورد و این عوامل باعث مهاجرت تعداد زیادی از خانواده‌های این استان به مرکز کشور و سایر استان‌های صنعتی می‌باشد. بنابراین کمبود امکانات بهداشتی و بیکاری و عوامل آن زمینه و شرط درونی تغییر و استقبال از آموزش و امکانات بهداشتی بیش‌تر را می‌طلبد.

در همین رابطه یکی از اهالی روستاها می‌گوید:

«برای انجام یک سی تی اسکن مجبوریم ۸ ساعت رفت و برگشت تا ایلام برویم آن هم ممکن است نوبت نباشد و شب در آنجا بمانیم شهرستان ما هیچ گونه امکانات بهداشتی و پزشکی ندارد».

در کنار موارد مذکور، گسترش آموزش در کنار پیدایش مجاری ارتباطی جدید شرایط و امکاناتی را فراهم کردند که بر دانش و حساسیت بهداشتی مردم می‌افزاید. این حساسیت و معرفت جدید باعث پذیرش و جا افتادن هر چه بیش‌تر بهداشت و آموزش در این استان می‌شود. همگام با افزایش سواد و گسترش مجاری ارتباطی نقش دولت نیز در ایجاد و توسعه امکانات بهداشتی- درمانی و آموزشی در این استان مؤثر می‌شود. با ورود بهداشت مدرن به این استان مردم در تعامل با پدیده‌های جدید به استفاده گسترده از آن می‌پردازند. ورود آموزش مدرن به این استان متأثر از یکسری شرایط و بسترها می‌باشد. در واقع شرایط مذکور نقش اولیه و تعیین کننده‌ای داشته‌اند که عبارتند از اشتغال و رفاه. در این زمینه مردم این دیار معتقدند که بهداشت نوین و آموزش مدرن فواید و مزایای حیاتی فراوان و قابل ملاحظه‌ای برای آنان می‌تواند داشته باشد.

۳- نبود بخش خصوصی قوی؛ در این بخش تحقیق، علل و عوامل نبود بخش خصوصی قوی در این استان آورده شده است و مردم این استان دلایل را چگونه درک و تفسیر می‌کنند؟ در مرحله اولیه کدگذاری یا کدگذاری باز ۳۶ مفهوم و ۷ مقوله عمده به شرح زیر به دست آمدند.

جدول (۷): موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

ردیف	عبارت	مفهوم
۱	سرمایه داران اندکی که در اینجا هستند معمولاً علاقه ای به کار تولیدی ندارند	عدم علاقه سرمایه‌گذاران
۲	سرمایه داران معمولاً از سرمایه گذاری بلند مدت قرار می‌کنند	گریز از سرمایه‌گذاری بلندمدت
۳	هیچ انگیزه برای کار آفرینی و ایجاد شغل وجود ندارد	فقدان انگیزه کار آفرینی
۴	خیلی از افراد با اصول کار آفرینی آشنایی ندارند	عدم شناخت کار آفرینی
۵	سرمایه داران اعتقاد چندانی به کار آفرینی در استان ایلام ندارند	عدم اعتقاد به کار آفرینی
۶	افراد می‌توانند با اقبای کار آفرینی آشنا هستند اما سرمایه چندانی ندارند	عدم سرمایه
۷	مدیران باتکی هم در ارتباط با وام به کار آفرینان تنگ نظری می‌کنند	تنگ نظری مدیران باتکی
۸	کار آفرینان تحصیل کرده آورده اولیه را برای دریافت وام ندارند	فقدان آورده اولیه
۹	وام اختصاص یافته متناسب با طرح اشتغال زایی مورد نظر نیست	وام اندک
۱۰	سود زیاد باتکی انگیزه را از کار آفرینان می‌گیرد	سود زیاد باتکی
۱۱	سرمایه داران در این استان احساس می‌کنند که امنیت چندانی ندارند	فقدان امنیت
۱۲	در این استان بازار قوی برای فروش محصولات تولید شده وجود ندارد	نیود بازار قوی
۱۳	کار آفرینان دسترسی چندانی به امکانات مورد نیاز ندارند	عدم دسترسی به امکانات

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هفدهم، شماره شصت و چهارم، بهار ۱۳۹۹

۱۴	مدیریت بازاریابی برای فروش کالاها خیلی ضعیف است	ضعف بازاریابی
۱۵	کسی از کارآفرینان و سرمایه داران ورشکسته حمایت نمی کند	عدم حمایت
۱۶	اکثر کارخانه ها و شرکت ها در این استان در اختیار دولت است	دولتی نبودن شرکت ها
۱۷	حاکمیت بوروکراسی بر نظام اداری در اینجا غالب است	بوروکراسی
۱۸	دولت آنچنان که باید و شاید از بخش خصوصی حمایت نمی کند	عدم حمایت از بخش خصوصی
۱۹	کارآفرینان و افراد صاحب ایده توسط دولت تشویق نمی شوند	عدم تشویق کارآفرینان
۲۰	دولت در خیلی موارد مانند تهیه زمین، آب، برق و ... با سرمایه گذار همکاری نمی کند	فقدان همکاری دولت
۲۱	خیلی از جوانان تحصیل کرده طرح و ایده کارآفرینی دارند اما سرمایه کافی ندارند	عدم سرمایه
۲۲	من دوست دارم در اینجا به طریقی بدیم و چند نفر از جوانان مشغول بکنم اما پول ندارم	تمکن مالی ضعیف
۲۳	به سرمایه دار می خواست اینجا شرکت بزنه هر چه گشت نتوست زمین پیدا کند	فقدان زمین
۲۴	طرحی که در نظر من است وسایل و امکانات زیادی می خواهد اما نمی توانم بدست بیارم	کمبود وسایل و امکانات
۲۵	روحیه کار و تلاش در بین مردم اینجا خیلی ضعیف است	ضعف روحیه کار و تلاش
۲۶	متأسفانه اگر یک سرمایه گذار خارجی بیاید اینجا مردم با او همکاری نمی کنند	عدم همکاری با سرمایه گذار خارجی
۲۷	پره وری نیروی کار در این مناطق خیلی پایین است	پایین بودن پره وری نیروی کار
۲۸	مردم اینجا اغلب دوست دارند کار اداری و پشت میز نشین داشته باشند	تمایل به کار اداری
۲۹	تسهیلات هم آن چنان که بخواهی به ما نمی دهند تا کاری برای خودمان دست و پا کنیم	عدم تسهیلات
۳۰	در این منطقه هنوز فرهنگ کارآفرینی خوب جا نیفتاده است	فقدان کارآفرینی
۳۱	اگر سرمایه گذار بیاد در اینجا کار کند همه همکاری می کنیم	همکاری با سرمایه گذار
۳۲	در شهرستان ما اصلاً شهرک صنعتی وجود ندارد	فقدان شهرک صنعتی
۳۳	هر شرکتی در اینجا دایر شود همه جوانان بیکار دوست دارند مشغول به کار شوند	علاقه به کار
۳۴	از دولت درخواست می کنیم که در اینجا سرمایه گذاری کند	درخواست از دولت
۳۵	دولت با وام های کم پره و بلاعوض به جوانان کمک کند تا سرمایه گذاری کند	وام کم پره
۳۶	خیلی از طرح های اقتصادی ورشکسته شدن و الان فقط یک ساختمان بی در و پیکر دارند	ورشکستگی طرح ها

در مرحله دوم کدبندی باز، ۷ مقوله از مفاهیم اولیه استخراج شد که در جدول زیر مقوله ها به تفکیک کدها و مفاهیم اولیه آورده شده اند.

جدول (۸): مقوله های عمده مربوط به درک و تفسیر موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

ردیف	مقوله ها	مفاهیم
۱	نبود روحیه کارآفرینی	عدم علاقه سرمایه داران، گریز از سرمایه گذاری بلندمدت، فقدان انگیزه کارآفرینی، عدم شناخت از کارآفرینی، فقدان اعتماد به کارآفرینی
۲	مشکلات بانکی	تنگ نظری مدیران بانکی، فقدان آورده اولیه، وام کم، سود زیاد بانکی
۳	عدم امنیت اقتصادی	نبود بازار قوی، عدم دسترسی به امکانات، ضعف بازاریابی، عدم حمایت، فقدان امنیت مالی، ورشکستگی طرح ها
۴	مدیریت دولتی	بوروکراسی اداری، دولتی بودن شرکت ها، عدم حمایت از بخش خصوصی، عدم تشویق کارآفرینان، فقدان همکاری دولت، فقدان شهرک صنعتی
۵	فقدان پشتوانه مالی	نداشتن سرمایه، فقدان زمین، تمکن مالی ضعیف، کمبود وسایل و امکانات، عدم تسهیلات
۶	ضعف فرهنگ کسب و کار	ضعف روحیه کار و تلاش، عدم همکاری با سرمایه گذار خارجی، پایین بودن پره وری کار، تمایل به کار اداری، فقدان فرهنگ کارآفرینی
۷	استقبال از سرمایه گذاری	علاقه به کار، همکاری، درخواست از دولت، وام کم پره

به علاوه بخش خصوصی از رویکرد ساکنان این منطقه به عنوان ابزاری دو لبه و دوگانه درک شده است که هم می تواند تأثیر مثبت و هم منفی برای آنان به همراه داشته باشد. از این رو رفاه آفرینی بخش خصوصی را در کنار وجود یکسری چالش ها و مشکلات درک و ارزیابی می کنند. بنابراین می توان مقوله «رفاه آفرین - چالش برانگیز» را به عنوان مقوله هسته انتخاب کرد.

بررسی موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

جدول (۹): مقوله‌های عمده و مقوله‌ی هسته

ردیف	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	نبود روحیه کارآفرینی	چالش برانگیز - رفاه آفرین
۲	مشکلات بانکی	
۳	عدم امنیت اقتصادی	
۴	مدیریت دولتی	
۵	فقدان پشتوانه مالی	
۶	ضعف فرهنگ کسب و کار	
۷	استقبال از سرمایه‌گذاری	

با بررسی داده‌ها و مقوله‌های ارائه شده می‌توان به این نتیجه دست یافت که در استان ایلام بخش خصوصی به مثابه پدیده تسهیل کننده زندگی یا به عبارت دیگر «رفاه آفرین، چالش برانگیز» درک می‌شود. در کنار بخش خصوصی به مثابه رفاه آفرین، مردم این دیار بر این باورند که بخش خصوصی ممکن است باعث تخریب محیط زیست، آلودگی هوا، تضعیف اعتقادات، باورهای سنتی و روابط اجتماعی آن‌ها شود. این دیدگاه یکی از عوامل اصلی توسعه‌نیافتگی در این استان می‌باشد، لذا آن‌ها بر استفاده و استقبال از بخش خصوصی در کنار حفظ باورهای سنتی تأکید دارند. به این معنا که مردم ایلام دوست دارند بخش خصوصی و کاربرد آن در زندگی باعث تخریب طبیعت و تضعیف یا نابودی باورهای سنتی آن‌ها نشود. از طرف دیگر مردمان این دیار نقش بخش خصوصی را در تحدید و تضعیف محیط زندگی و باورهای آنان خاطر نشان کرده‌اند و اظهار می‌دارند این پدیده باعث از بین رفتن بسیاری از روابط آنان و محیط طبیعی آن‌ها می‌شود.

در همین رابطه یکی از ساکنین منطقه می‌گوید:

«آقا از وقتی که همین یک دو تا شرکت نیمه کاره آمده اند نگاه کن که چقدر از طبیعت منطقه ما را خراب کرده اند و چه آسیبی به این طبیعت بکر زده‌اند و هیچ گونه سود و منفعتی برای مردم روستای ما نداشته‌اند». به علاوه، بخش خصوصی از رویکرد ساکنان این منطقه به عنوان ابزاری دو لبه و دوگانه درک شده است که هم می‌تواند تأثیر مثبت و هم منفی برای آنان به همراه داشته باشد. از این رو رفاه آفرینی بخش خصوصی را در کنار وجود یک‌سری چالش‌ها و مشکلات درک و ارزیابی می‌کنند. بنابراین می‌توان مقوله «رفاه آفرین - چالش برانگیز» را به عنوان مقوله هسته انتخاب کرد. مقوله هسته - محوری حاضر متأثر از یک‌سری شرایط و بسترهاست. به این معنا که درک مذکور از نبود بخش خصوصی قوی از شرایطی خاص ناشی شده است. شرایط مذکور عبارتند از نبود روحیه کارآفرینی، ضعف فرهنگ کسب و کار و فقدان پشتوانه مالی. در نتیجه فقدان شرایط مذکور مردم این دیار با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده‌اند، به این معنا که مردم منطقه از گذشته تاکنون در شرایط دشوار اقتصادی، بیکاری و عدم درآمد می‌زیسته‌اند و علت عدم موفقیت بخش خصوصی و شرایط به وجود آمده را در مشکلات بانکی، مدیریت دولتی و عدم امنیت اقتصادی می‌دانستند.

در همین رابطه یکی از مشارکت کنندگان می‌گوید:

«بانک‌ها هم در این زمینه مقصر هستند تا یک وام به سرمایه دار بدهند تمام وقت و انرژی او را می‌گیرند و بعضاً هم خیلی از آن‌ها پشیمان شده و از ادامه راه منصرف می‌گردند. بعد هم وامی را که می‌دهند جوابگوی طرح نیست و سود زیادی را هم از سرمایه‌گذار می‌گیرند».

یکی دیگر از ساکنین می‌گوید: «این شرکت که در اینجا می‌بینید (شرکت بیسکویت سازی) با هزار بدبختی راه اندازی شد و مدت شش ماه هم کارکرد اما محصولاتش فروش خوبی نداشتند و دولت هم از طرح حمایت نکرد و الان تعطیل شده است و همه کارگران اخراج شده‌اند».

تحت تأثیر شرایط فوق تعامل مردم این دیار با این پدیده را استقبال از سرمایه‌گذاری می‌دانند. مردم ایلام گر چه از این پدیده مدرن استقبال می‌کنند، اما همزمان بر حفظ باورهای سنتی و محیط زیست خود تأکید دارند. در صورتی که تعامل‌های فوق به بار نشیند بخش خصوصی پیامدهای خاصی برای مردم خواهد داشت. این پیامدها عبارتند از: تولید، اشتغال و کارآفرینی و رونق اقتصادی منطقه. اما متأسفانه هنوز این تعامل‌ها در منطقه شکل نگرفته است و نبود بخش خصوصی قوی در این دیار همچنان به عنوان یکی از موانع توسعه‌نیافتگی این استان مطرح می‌باشد.

۴- نبود زیرساخت‌های اقتصادی به مثابه فشارآور؛ با بررسی داده‌های به دست آمده در مرحله کدگذاری باز ۴۵ مفهوم و ۷ مقوله به شرح زیر استخراج شدند.

جدول (۱۰): مهم‌ترین موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

ردیف	عبارت	مفهوم
۱	در استان ما صنایع بزرگ و مادر خیلی کم وجود دارد	محدودیت صنایع مادر
۲	سرمایه‌گذاری ملی در اینجا به آن صورت انجام نمی‌گیرد	عدم سرمایه‌گذاری ملی
۳	فرهنگ امید در سرمایه‌گذاری بزرگ و کلان خیلی ضعیف است	ضعف فرهنگ امید در سرمایه‌گذاری کلان
۴	کلاً تمایل به ریسک سرمایه‌گذاری در استان ایلام وجود ندارد	عدم تمایل به ریسک سرمایه‌گذاری
۵	به خاطر جنگ ۸ ساله ریسک سرمایه‌گذاری در این استان خیلی خطرناک است	خطر بودن ریسک سرمایه‌گذاری
۶	هیچ تضمین و مشوقی برای سرمایه‌گذاران در این استان جهت سرمایه‌گذاری وجود ندارد	نبود تضمین و مشوق برای سرمایه‌گذاران
۷	دولت هم کمتر حاضر به سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی می‌باشد	عدم تمایل دولت سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی
۸	خیلی از ظرفیت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در استان ناشناس مانده‌اند	ناشناس بودن ظرفیت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری
۹	سرمایه‌گذاران خارجی هم علاقه چندانی به سرمایه‌گذاری در این استان ندارند	عدم رغبت سرمایه‌گذاری خارجی
۱۰	در این استان ۵ کیلومتر اتوبان وجود ندارد	کمبود اتوبان
۱۱	جاده‌های استان ما فاقد استانداردهای لازم هستند و همیشه تصادفات وحشتناک داریم	جاده غیر استاندارد
۱۲	جاده‌های کوهستانی اغلب جاده آفرین هستند	جاده‌های کوهستانی نامناسب
۱۳	در این استان راه ارتباطی مهمی وجود ندارد	فقدان راه ارتباطی محلی
۱۴	استان ایلام فاقد راه آهن می‌باشد و راه آهن ایلام فقط در حد شعار می‌باشد	فقدان راه آهن
۱۵	یک فرودگاه داریم آن هم با تعداد پروازهای اندک	پرواز اندک
۱۶	هر بار هم که مراجعه می‌کنیم میگویند پرواز نداریم تمام شده جا نیست	کمبود بلیط پرواز
۱۷	استان ما منابع نفتی زیاد دارد اما از آنها به خوبی استفاده نمی‌شود.	عدم استفاده از منابع نفتی
۱۸	نفت ایلام ۴۰۰ کیلومتر آن ورتر در استان خوزستان استحصال می‌شود	استحصال نفت ایلام در خوزستان
۱۹	از منابع گازی مان هم استفاده خاصی نمی‌بریم.	عدم استفاده از منابع گازی
۲۰	زیر پای ما منابع نفت و گاز هست ولی از گرسنگی داریم می‌میریم	فقر اقتصادی
۲۱	آب رودخانه سیمره می‌ریزه به کشور عراق هیچ استفاده‌ای از آن نمی‌شود	عدم استفاده از رودخانه سیمره
۲۲	سیل پارسال خسارات زیادی به مردم ایلام وارد کرد و سیلاب‌ها مهار نشدند	عدم مهار سیلاب‌ها
۲۳	برای استفاده هیبه از رودخانه‌ها و استفاده از آن در بخش کشاورزی سد چندانی نداریم	نبود سد و آبگیر

بررسی موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

۲۴	در اینجا کشاورزی به همان روش سنتی و قدیمی انجام می‌گیرد	کشاورزی سنتی
۲۵	کشاورزی پیشرفته و مکانیزه در این مناطق کمتر صورت می‌گیرد	کمبود کشاورزی مکانیزه
۲۶	اکثر مردم چند راس دام دارند و به صورت سنتی دامداری انجام می‌گیرد	دامداری محدود سنتی
۲۷	نسبت به وسعت اراضی باغداری در این مناطق خیلی کم صورت می‌گیرد	باغداری محدود
۲۸	از زمین‌های کشاورزی به آن صورت که باید و شاید استفاده نمی‌شود	استفاده ضعیف از زمین‌های کشاورزی
۲۹	وسایل و امکانات پیشرفته کشاورزی در این مناطق وجود ندارد	عدم وجود وسایل پیشرفته کشاورزی
۳۰	در بخش‌های اقتصادی از نیروی انسانی ماهر و متخصص استفاده نمی‌شود	عدم استفاده از نیروی انسانی ماهر و متخصص
۳۱	رشته‌های دانشگاهی اینجا هیچ ارتباطی با فضای کار و تولید ندارند	عدم ارتباط دانشگاه با تولید
۳۲	دانشگاه‌های منطقه با معمولاً رشته‌های ادبیات، الهیات، جغرافیا و ... دارند که هیچ ربطی به اقتصاد ندارند و کاربردی ندارند	غیر کاربردی بودن رشته‌های دانشگاهی
۳۳	افراد فاقد تجربه و تخصص در رأس دستگاه‌های اجرایی قرار دارند	مدیران فاقد تجربه و تخصص
۳۴	خیلی از مدیران هستند که با تمام دولت‌ها حضور دارند و کارایی هم ندارند	مدیران تکراری
۳۵	به نیروهای جوان و علمی و متخصص هم میدان داده نمی‌شود	عدم استفاده از نیروهای متخصص بومی
۳۶	با وجود اینکه استان ایلام محیط طبیعی و بکر برای گردشگری دارد توجیهی به آن نمی‌شود	عدم توجه به محیط طبیعی و ظرفیت‌های طبیعی
۳۷	جاذبه‌های گردشگری زیادی داریم اما از آن‌ها استفاده نمی‌شود	عدم استفاده از جاذبه‌های گردشگری
۳۸	پیش‌ترین زیارتگاه و مناطق زیارتی داریم اما زیاد مورد توجه قرار نمی‌گیرند	عدم توجه به مناطق زیارتی
۳۹	در تمام شهرستان‌ها آثار تاریخی مهمی داریم که می‌تواند یک فرصت باشد اما زیاد مورد بازدید قرار نمی‌گیرد، چون در مورد آن تبلیغ نمی‌شود	عدم بازدید از آثار تاریخی
۴۰	خوب می‌شد اگر دولت محصولات ما را می‌خرید و می‌دانستیم که در آمدی در راه است	آرزوی پیش خرید محصولات توسط دولت
۴۱	اگر دولت به مردم وام می‌داد خوب بود لاف‌های روی برخی موارد مانند: قالی باقی هزینه می‌کردیم	کمک دولت
۴۲	راستش ما نیاز به کمک دولت داریم طوری که ما کمک کند و به ما فشار نیاورد بلاخوش می‌باشد	اکتا به دولت
۴۳	چه بگویم کسی به اینجا توجه ندارد مسئولین چند ساعت می‌آیند و می‌روند و ما هم چیزی نصیبمان می‌شود	کم توجهی دولت
۴۴	اینجا مردم دوست دارند کار دولتی داشته باشند و پشت میزین باشند	وابستگی به کار دولتی
۴۵	بازار کافی برای مصرف کالاهای تولیدی ما نیست دولت باید فکری بکند	نبود بازار مصرف برای کالاهای تولیدی

بعدها انجام عملیات مرحله‌ی اولیه کدبندی باز، در مرحله‌ی دوم کدبندی باز، مفاهیم مشترک و مشابه از نظر معنایی در قالب ۷ مقوله‌ی عمده طبقه‌بندی شده‌اند. این مقوله‌ها از سطح بالاتری از انتزاع برخوردارند. در جدول زیر، مقوله‌های عمده به تفکیک کدها و مفاهیم اولیه آورده شده‌اند.

جدول (۱۱): مقوله‌های عمده مربوط به درک و تفسیر موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

ردیف	مقوله‌ها	مفاهیم
۱	عدم سرمایه‌گذاری در استان	عدم سرمایه‌گذاری ملی، ضعف فرهنگ امید در سرمایه‌گذاری، محدودیت منابع مادی، ریسک بالای سرمایه‌گذاری در استان، عدم تضمین و مشوق برای سرمایه‌گذاری، ناشناس بودن ظرفیت‌ها، عدم رغبت سرمایه‌گذاران خارجی
۲	ضعف شبکه حمل و نقل	نبود اتوبان، جاده غیر استاندارد، جاده هوای کوهستانی، فقدان راه ارتباطی مهم، فقدان راه آهن، پرواز اندک هواپیما
۳	کشاورزی و دامداری سنتی	کشاورزی سنتی، کمبود کشاورزی مکانیزه، دامداری محدود سنتی، باغداری محدود، استفاده ضعیف از زمین‌های کشاورزی، عدم امکانات و وسایل پیشرفته کشاورزی.
۴	گردشگری	عدم توجه به محیط بکر و طبیعی، عدم استفاده از جاذبه‌های گردشگری، عدم توجه به مناطق زیارتی، عدم بازدید و توجه به آثار تاریخی
۵	عدم استفاده از منابع	عدم استفاده از منابع قتی، استحصال نفت ایلام در جای دیگر، عدم استفاده از منابع گازی، عدم استفاده از رودخانه‌ها، عدم مهار سیلاب‌ها، نبود سد و آبگیر
۶	نبود نیروی انسانی متخصص	مدیران فاقد تجربه و متخصص، مدیران تکراری، عدم استفاده از نیروی انسانی متخصص، ارتباط دانشگاه با تولید، عدم استفاده از نیروی جوان و متخصص بومی
۷	دولت محوری	نیاز به کمک دولت، اکتا به دولت، کم توجهی دولت، وابستگی به کار دولتی و نبود بازار مصرف برای کالاهای تولیدی

هدف از کدگذاری گزینشی انتخاب مقوله‌ای است که بتواند حداکثر فضای مفهومی مقوله‌های عمده را در بر گرفته و آن‌ها را نیز حول خود سازماندهی کند و به هم مرتبط سازد. با توجه به اینکه هدف این بخش از مطالعه، درک و ارزیابی مردم استان ایلام از فقدان زیر ساخت‌های اقتصادی می‌باشد. لذا مقوله «فشارآور» به عنوان مقوله هسته و محوری انتخاب می‌شود.

جدول (۱۲): مقوله‌های عمده و مقوله‌ی هسته

ردیف	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	عدم سرمایه‌گذاری در استان	
۲	ضعف شبکه حمل و نقل	
۳	کشاورزی و دامداری سنتی	
۴	ضعف گردشگری	
۵	عدم استفاده از منابع	
۶	عدم نیروی انسانی متخصص	فشارآور
۷	دولت محوری	

این مقوله می‌تواند حداکثر فضای مفهومی مقوله‌های فوق را اشباع نموده و در خود جای می‌دهد. بر اساس این مقوله مردم استان ایلام ضمن پذیرش نبود زیر ساخت‌های اقتصادی در این استان، نسبت به پیامدهای آن نگران هستند و آن را به عنوان مانعی جدی در راه توسعه یافتگی استان قلمداد می‌کنند. نبود زیر ساخت‌های اقتصادی در استان متأثر از یک سری شرایط و بسترها است. در واقع شرایط مذکور نقش اولیه و تعیین کننده داشته‌اند که عبارتند از: عدم سرمایه‌گذاری در استان، عدم نیروی انسانی متخصص و عدم استفاده از منابع».

یکی از افراد مورد مصاحبه در این مورد چنین می‌گوید:

«در اینجا کار بزرگی و اساسی انجام نگرفته است، نه پالایشگاه نفتی، نه ذوب آهنی، نه کارخانه ماشین سازی و ... تا وقتی که صنایع بزرگ و مادر به اینجا نیایند، وضع ما همین است همچنان بیکاری، فقر و ... از دولت می‌خواهیم سرمایه‌گذاران را تشویق کند به اینجا بیایند».

این ترتیب نیاز به رفع مشکلات اقتصادی از طریق ورود دولت با استفاده از سرمایه‌گذاری کلان، دادن وام‌های بلاعوض و کم بهره به ساکنان این دیار احساس می‌شود. با ورود دولت به سرمایه‌گذاری، مردم این دیار به شیوه‌های خاص با پدیده مذکور تعامل برقرار کرده یا به عبارت دیگر نسبت به آن واکنش‌های خاصی نشان می‌دهند. این تعامل‌ها عبارتند از: همکاری با دولت در تمام زمینه‌ها، از جمله اجازه تملک به دولت در املاک تحت تملک برای زیر ساخت‌ها مانند جاده، کارخانه، شهرک صنعتی و ... مراقبت از وسایل و امکانات دولتی، تأکید بر همگرایی و استقبال عمومی. پیامدهای نبود زیر ساخت‌های اقتصادی برای استان ایلام عبارتند از: کشاورزی، دامداری، باغداری محدود و سنتی، ضعف شدید در شبکه حمل و نقل (هوایی، ریلی و جاده‌ای) و فقدان توریسم به این معنا که مردم این استان ضمن درک نقش مثبت دولت از سرمایه‌گذاری، از بی‌توجهی نسبت به این مورد ابراز نگرانی می‌کنند.

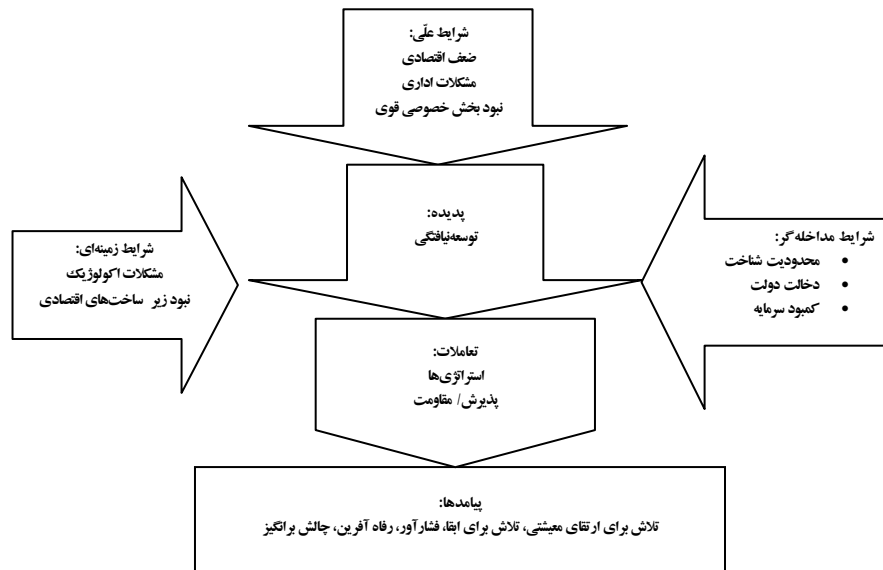
یکی از مشارکت کنندگان تحقیق عنوان می‌کند:

«زندگی ما وابسته به همین یکی دو قطعه زمین کشاورزی است آن هم به صورت دیم و امید اینکه باران بیاید ولی در چند سال گذشته متأسفانه خشکسالی بود و حتی نتوانستیم هزینه‌ها را هم جبران کنیم و فشار سختی بر مرد این منطقه وارد شد امیدواریم دولت در این زمینه کمکی بکند».

بررسی موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام

یکی دیگر از ساکنین در این مورد می‌گوید: «مشکل ما این است که در بن بست قرار داریم، و استان ما در مسیر عبور استان‌های دیگر نیست فقط در طول دو سه سال گذشته زائران می‌آمدند و به کشور عراق می‌رفتند، آن هم در یک زمان کوتاه یک یا دو هفته‌ای و به همین خاطر توجه چندانی به ما نشده است». کل فرآیند مذکور تحت عنوان نبود زیر ساخت‌های اقتصادی در استان به مثابه پدیده فشار آور درک شده است. که نشان دهنده نگرانی مردم نسبت به زیر ساخت‌های اقتصادی در حوزه‌های مختلف سرمایه‌گذاری، نیروی انسانی متخصص، استفاده از منابع و به تبع آنها کشاورزی و دامداری سنتی، شبکه حمل و نقل و تورسیم می‌باشد. در صورت عدم ورود سرمایه‌گذاری دولت در این زمینه، این استان هم‌چنان در زمره استان‌های توسعه نیافته خواهد بود.

مدل (۲): مدل نهایی موانع اقتصادی توسعه یافتگی ساختار آفرین و ساختار شکن



بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مقوله‌های عمده نهایی که در مدل (۲) آمده است، می‌توان مقوله ساختار شکن و ساختار شکن را به عنوان نهایی‌ترین مقوله هسته انتخاب کرد. این مقوله انتزاعی‌ترین مقوله هسته و پاسخ نهایی به سوال اصلی پژوهش یعنی موانع اقتصادی توسعه یافتگی در استان ایلام است. براساس این مقوله، مردم ایلام با درک و تفسیر موانع ایجاد شده در دنیای جدید خود، توسعه را به مثابه پدیده‌ای درک می‌کنند که دارای دو پیامد ساختار شکن و ساختار شکن است. ایلامی‌ها موانع اقتصادی توسعه در استان خود را تفسیر کرده، آن را ارزیابی نموده و هم اکنون نیز درک خاصی از این پدیده دارند. آنها می‌دانند که این پدیده جدید دارای چه مشخصه‌ها و جنبه‌هایی

است. این همان تفسیری است که تفسیرگرایی اجتماعی بر آن تأکید دارد (ویلکر، ۱۹۹۶: ۳۷). مردم استان ایلام توسعه را چون پدیده‌ای می‌بینند که از یک طرف آن‌ها را قادر می‌سازد بر محیط اجتماعی و طبیعی خود فایق آمده و مشکلات اکولوژیک، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود را حل و فصل کنند و در جهت توسعه و ارتقای سطح زندگی خود گام بردارند. به عبارت دیگر؛ به آنها اجازه ایجاد ساختار جدید و متفاوت از شکل سنتی آن می‌بخشد و این همان چیزی است که باعث استقبال از این تغییرات در جهت توسعه در استان ایلام شده است. اما از طرف دیگر، در کنار جنبه‌های مثبت آن، بسیاری از سنت‌ها و اعتقادات بومی آنها به چالش کشیده می‌شود، و آن‌ها در معرض نابودی و از جاکنندگی قرار می‌دهد. در اینجا مردم استان ایلام با ابراز نگرانی و ناخرسندی بر حفظ بسیاری از روش‌های سنتی خود پافشاری می‌کنند. از این‌رو، توسعه مستلزم هزینه‌های سنتی است که مردم استان ایلام با نگرانی و دشواری با آن روبه‌رو می‌شوند. تفسیر مردم این دیار از توسعه به عنوان امری ساختار بخش و ساختار شکن بیانگر تصویری دوگانه است که در قالب چالش و ابهام میان سنت و مدرنیته مطرح است. با این وجود، چالش مذکور به نفع تسلط توسعه و شیوه زندگی جدید است. قبل از پرداختن به این بحث در مدل زمینه‌ای زیر سعی شده موانع توسعه در استان ایلام در قالب یک فرآیند منطقی دیده شود. در مدل (۲) سعی شده با تکیه بر تفسیر و درک مردم استان ایلام، شرایط و بسترهای موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی در این استان در نظر گرفته شود، و به این نکته توجه شود که از دیدگاه مردم استان ایلام موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی در این استان کدامند؟ دلایل و شرایط موانع چه هستند؟ در کنار این مسئله سعی شده که تعامل و کنش یا برخورد مردم استان ایلام آن‌طور که خود آن‌ها تجربه کرده‌اند با عدم توسعه‌یافتگی به منطقه مورد نظر ارائه شود. بازسازی این مراحل مبتنی بر آن چیزی است که مردم تجربه کرده و آن را به‌طور شفاهی و در عمل بیان نموده‌اند. ابتدا مدل زمینه‌ای مذکور ارائه می‌شود سپس، با تشریح جنبه‌های سه‌گانه آن یعنی شرایط ورود، تعامل‌های مردم و پیامدهای عدم توسعه‌یافتگی به بررسی بیش‌تر این مدل براساس رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی پرداخته شود. براساس مدل (۲)، می‌توان گفت که موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی در استان ایلام تحت تأثیر یکسری شرایط خاصی بوده است. این شرایط در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند که عبارتند از: شرایط علی، شرایط بستری و شرایط مداخله‌گر. در این نوشتار شرایط علی عبارتند از: ضعف اقتصادی، مشکلات اداری، نبود بخش خصوصی قوی. شرایط مداخله‌گر نیز شامل دخالت دولت، محدودیت شناخت، کمبود سرمایه هستند. به علاوه، مشکلات اکولوژیک و نبود زیرساخت‌های اقتصادی نیز در شرایط بستری طبقه‌بندی می‌شود. شرایط مذکور به‌طور کلی و در امتداد با یکدیگر باعث شده‌اند پدیده‌ای به نام عدم توسعه‌یافتگی و عناصر آن وارد استان ایلام شوند. بنابراین، عدم توسعه‌یافتگی در این استان متأثر از این شرایط بوده است. با موانع توسعه‌یافتگی در این منطقه، مردم استان ایلام در برابر آن تعاملات خاصی را انجام دادند یا به عبارت دیگر، استراتژی‌های خاصی را اتخاذ نموده‌اند. تعامل مذکور را می‌توان در قالب پذیرش فرآیند توسعه از یک طرف و مقاومت و ابراز نگرانی از آن طرف دیگر در قالب یک پیوستار ارزیابی مثبت- ارزیابی منفی از عناصر توسعه دسته‌بندی کرد. در ابتدا موانع اقتصادی توسعه‌یافتگی شامل کلیه موانعی است که مشکلات اکولوژیک، نبود زیرساخت‌های اقتصادی، بخش خصوصی

قوی و فقر اقتصادی مزمن را شامل می‌شود. با موانع توسعه‌یافتگی در این منطقه، ایلامی به دو شیوه متفاوت با آن تعامل پیدا کرده یا دو طیف استراتژی در برابر آن به کار بردند. این دو شیوه تعامل یا استراتژی از پذیرش عملی تا ارزیابی منفی و مقاومت را در بر می‌گیرد. به این ترتیب که ایلامی‌ها ضمن تأکید بر نقش و اهمیت عناصر جدید در توسعه ابعاد متفاوت زندگی خود، نسبت به از بین رفتن شیوه‌ها و روش‌های زندگی سنتی خود ابراز نگرانی کرده و نسبت به عناصر جدید با رویکردی محافظه کارانه و مشروط به همگرایی با اعتقادات و باورهای سنتی خود نگاه می‌کنند. بنابراین، تعامل آنان همان‌طور که گفته شد بر روی پیوستاری از پذیرش عملی تا احساس مقاومت قرار می‌گیرد. در این فرآیند، ایلامی‌ها همزمان نسبت به از دست دادن روش‌های سنتی و اعتقادی خود ابراز نگرانی می‌کنند. عدم توسعه‌یافتگی مذکور برای مردم استان ایلام و از دیدگاه ساکنان آن پیامدها و نتایجی برای زندگی آن‌ها دارد که می‌توان پیامدهای مذکور را (همان‌طور که در مدل فوق نیز نمایان است) در چند مقوله دسته‌بندی کرد که عبارتند از: تلاش برای ارتقای معیشت در حوزه مشکلات اکولوژیک، فشارآور در حوزه نبود زیرساخت‌های اقتصادی، رفاه آفرین - چالش برانگیز در حوزه نبود بخش خصوصی قوی و تلاش برای بقا در حوزه فقر اقتصادی مزمن. به‌علاوه، می‌توان پیامدهای ضمنی دیگری نیز نظیر مهاجرت، ابراز ناخوشایندی، تحدید تعاملات سنتی، افزایش قدرت دولت و افزایش نابرابری را نیز برشمرد. در کنار این پیامدها، یکسری پیامدهای ناخواسته توسعه نیز وجود دارند که از نقطه نظر مردم استان ایلام مورد استقبال نبوده و تولید نگرانی و ناخرسندی کرده است. از این نظر، ورود توسعه در حوزه خویشاوندی، اعتقادات، و تعاملات اجتماعی به تزلزل و دگرگونی‌های متعددی منتهی شده که از رویکرد مردم استان ایلام نامطلوب و نگران کننده تلقی می‌شوند. فرآیند توسعه ساختار این حوزه‌ها را تغییر داده، اعتقادات سنتی را متزلزل کرده و روابط خویشاوندی و تعاملی را سست و کم رنگ نموده است. به عبارت دیگر، منجر به ساختار شکنی شده است. لذا مردم استان ایلام با درک وضعیت موجود بر حفظ روابط خویشاوندی و تعاملی، و حفظ اصول و مبانی اعتقادی خود تأکید دارند. در اینجا بر جنبه‌های ساختار شکن توسعه تأکید شده است. بنابراین، جنبه‌ها و دستاوردهای مثبت توسعه در استان ایلام که مخصوصاً در حوزه فرهنگ مادی قرار می‌گیرند باعث استقبال از توسعه چون امری ساختار بخش شده، اما آن بخش از پیامدهایی که از نظر مردم استان ایلام باعث به چالش کشیده شدن سنت‌ها شده‌اند (فرهنگ غیرمادی) باعث ایجاد نگرانی و احساس فشار می‌شوند. بنابراین، توسعه در حوزه فرهنگ مادی از نظر مردم استان ایلام مثبت تلقی می‌شود، حال آن‌چه در بعد غیرمادی به‌عنوان پدیده‌ای نگران کننده مد نظر قرار می‌گیرد.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان، چاپ هفتم.
- پیت، ریچارد و الین هارت ویک. (۱۳۸۹). نظریه‌های توسعه. ترجمه‌ی مصطفی ازکیا و همکاران. تهران: انتشارات لویه، چاپ دوم.
- سو، آوین. (۱۳۸۸). تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه‌ی محمود جیبی مظاهری. تهران: انتشارات مطالعات راهبردی. چاپ اول.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. چاپ هشتم.
- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- محمد پور، احمد. (۱۳۹۲). تجربه‌ی نوسازی، مطالعه‌ی تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه‌ی زمینه‌ای. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمد پور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضدروش ۱، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان. چاپ دوم.

- Brenestin, Henry. (2002). Modernization Theory and the Sociological Study of Development. *Journal of Development Studies*, Vol .7. Issue 2.
- Bryman, Alan. (1999). *Quality and Quantity in Social Research*, London: Unwin Humanly.
- Chiot, Daniel. (1994). *How Societies Change*. London: Pin Forge Press.
- Dival, William & Albert. Seda. (2000). *Cross- Cultural Codes of Modernization*, *World Culture*, No. 11, Vol. 2 Pp 152- 170.
- Ember, Carol & Melvin Ember. (2002). *Cultural Anthropology*. Tenth Edition. New Jersey: Prentice- Hall.
- Eriksen, Thomas H. (2001). *Small Places, Large Issues: An Introduction to Social Anthropology*. London: Pluto Press.
- Fetterman, David M. (1998). *Ethnography Step by Step*. Second Edition. London: Sage Publications.
- Hall, John R. Mary, Jo Neitz & Marshall, Battani. (2002). *Sociology on Culture*. London: Routledge.
- Harris, Marvin. (2001). *The Rise of Anthropological Theory*. Updated Edition. New York: Thomas Y. Growell Company.
- Kosonen, Pekka. (1977). *Cotemporary Capitalism and The Critique of Political Economy: Methodological Aspects*. *Acta Sociologica*, Vol. 20, No.4.
- McGrew, Anthony. (1992). *A Global Society*. in David. Held, Stuart. Hall, and Paul. Lewis, (eds), *Modernity and Its Futures*. London : Open University.
- Miller, Barbara D. (2004). *Cultural Anthropology*, Second Edition. New York: Allyn & Bacon.
- Peet , Richard & Elaine, Hartwick. (1995). *Theories of Development*. London: Guil Ford Press.
- Sardan, Oliver. (2004). *Anthropology of Development: Understanding Contemporary Social Change*. London: Zed Book Press.
- Shore , Bradd. (1996). *Culture in Mind* London: Oxford Press
- Taylor, John. (1977). *From Modernization to Mode of Production*. New Jersey: Humanities Press.
- Wagner, Peter. (2002). *Modernity, Capitalism and Critique*, Thesis Eleven. No. 66, London: Ssge Publications.
- Wilker, Richard R. (1996). *Economics and Culture: Foundations of Economic Anthropology*. Boudler: Westview Press.